



گزارش مطالعه اکتشافی پیرامون

«ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست های اعتباری بانک»

مجری طرح:

حجت‌اله میرزایی



اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران



گزارش مطالعه اکتشافی پیرامون

«ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک»

مجری:

حجت‌اله میرزایی

فهرست مطالب

۱- مقدمه.....	۶
۲- اهمیت و ضرورت اعمال سیاست‌های اعتباری.....	۸
۳- سیاست پولی- اهداف و ابزارها.....	۹
۴- کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی.....	۱۱
۴-۱- کانال اعتباری.....	۱۱
۴-۲- کانال وامدهی بانکی.....	۱۱
۴-۳- کانال ترازنامه.....	۱۱
۵- چالش سرکوب/ آزادسازی مالی.....	۱۳
۶- چالش اعطا/ عدم اعطای تسهیلات تکلیفی.....	۱۵
۷- چالش مطالبات معوق.....	۱۷
۸- سیاست‌های پولی- اعتباری در ایران.....	۱۸
۹- رابطه میان سیاست‌های اعتباری و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران.....	۲۳
۹-۱- تولید و رشد اقتصادی.....	۲۳
۹-۲- تورم و نقدینگی.....	۲۷
۹-۳- اشتغال.....	۳۱
۹-۴- پس‌انداز.....	۳۱
۹-۵- سرمایه‌گذاری.....	۳۳
۹-۶- صادرات و نرخ ارز.....	۳۵
۹-۷- چرخه‌های تجاری.....	۳۶
۱۰- راهکارهای پیشنهادی.....	۳۷
۱۱- پیشنهادات پژوهشی.....	۳۹
ضمایم.....	۴۰
۱- مشخصات پژوهش‌های علمی.....	۴۱
۲- فرم‌های بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی.....	۴۳
۳- فهرست مقالات و گزارش‌های رصد شده.....	۶۸

فهرست جداول

- جدول ۱- نرخ سود (مورد انتظار) تسهیلات بانکی در بخش‌های مختلف ۲۰
- جدول ۲- سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تغییر در مانده تسهیلات اعطایی ۲۰
- جدول ۳- نسبت سپرده‌های قانونی ۲۱
- جدول ۴- نرخ سپرده قانونی ۲۲
- جدول ۵- نرخ‌های سود بانکی ۲۲
- جدول ۶- رشد تولید ناخالص داخلی در ۴۲ سال گذشته ۲۳
- جدول ۷- متغیرهای پولی و اعتباری (۹۲-۱۳۸۸) ۲۸
- جدول ۸- رشد نقدینگی، پایه پولی و ضریب فزاینده (۹۲-۱۳۸۸) ۲۸
- جدول ۹- مشخصات پژوهش‌های علمی ۴۱

فهرست نمودارها

- نمودار ۱- سهم بخش غیردولتی از تسهیلات تکلیفی ۱۵
- نمودار ۲- روند بدهی دولت به سیستم بانکی ۱۷
- نمودار ۳- رشد تولید ناخالص داخلی ۲۴
- نمودار ۴- نسبت اعتبارات به GDP و نقاط زمانی رشد بی‌رویه اعتبارات ۲۶
- نمودار ۵- روند تورم (افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده) طی چهار دهه اخیر ۲۷
- نمودار ۶- روند تورم در سال‌های ۹۱ و ۹۲ ۲۷
- نمودار ۷- روند افزایش حجم نقدینگی، تورم و رشد اقتصادی ۲۹
- نمودار ۸- رابطه نرخ سود و نرخ تورم در ایران (۱۳۸۴-۱۳۵۲) ۳۰
- نمودار ۹- روند نرخ سود کوتاه‌مدت، بلندمدت و تورم ۳۰
- نمودار ۱۰- پاسخ سرمایه‌گذاری به بخش کشاورزی ۳۵
- نمودار ۱۱- پاسخ ارزش افزوده بخش کشاورزی به شوک اعتبارات بانک کشاورزی ۳۵
- نمودار ۱۲- تحولات نظری موثر در مفهوم توسعه مالی ۶۳
- نمودار ۱۳- سطح تحلیلی نهادی- مدل ویلیامسون ۶۴

۱- مقدمه

گزارش پیشرو نتایج پژوهش اکتشافی در موضوع "ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها" است که به سفارش اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران انجام پذیرفته است. در این گزارش تلاش شده است مقالات، کتب، گزارش‌ها و طرح‌های پژوهشی مرتبط با موضوع، که تاکنون انجام پذیرفته‌اند مورد بازخوانی قرار گرفته و نکات کلیدی به همراه نتایج و پیشنهادهای برآمده از آن به صورت مجمل بررسی شود. بدین منظور در مرحله نخست، برای دستیابی به این منظور پایگاه‌های علمی و اطلاعاتی داخلی زیر، مورد جستجو و کندوکاو قرار گرفتند:

- بانک تخصصی نور (www.noormags.com)
- پرتال جامع علوم انسانی (www.ensani.ir)
- بانک مقالات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir)
- سایتهای مجلات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی (www.magiran.com)
- بانک مقالات و داده‌های اقتصادی ایران (IELDB)
- نمایه های تخصصی
- بانک مدارک علمی ایران (www.irandoc.ac.ir)
- کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد و تامین منابع علمی دانشگاه تهران (http://library.ut.ac.ir/)
- موسسه پژوهش‌های پولی و بانکی
- موسسه پژوهش‌های بازرگانی
- معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی
- مرکز بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

از سویی دیگر با توجه به محدودیت و اندک بودن مقالات علمی و پژوهشی در این حوزه‌ها و موضوعات، پایگاه‌های علمی خارجی نیز مورد کندوکاو قرار گرفتند که شامل موارد زیر هستند:

- www.sceincedirect.com
- www.econopaper.com
- www.nber.org

در مرحله دوم، مقالات و گزارشهای استخراج شده در قالب فرم استاندارد که به تصویب کارفرمای محترم رسیده است، بازخوانی و جمع بندی شدند. برای موضوع "ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها" جمعاً ۱۲ مقاله، گزارش، طرح پژوهشی یا پایان‌نامه مورد بررسی و بازخوانی قرار گرفته است که نتایج بازخوانی هر یک از آنها در فرم‌های بازخوانی مذکور در پیوست گزارش منعکس شده است.

در گام سوم، هر یک از موارد بررسی شده در قالب یک جدول تطبیقی نمایش داده شده است تا ضمن ترسیم یک شمای کلی از ویژگی‌های مهمترین مطالعات انجام شده در حوزه مورد بررسی، کاستی‌ها و نیازهای پژوهشی آتی در این حوزه‌ها را آشکار سازد.

در ادامه، ابتدا به اهمیت و ضرورت اعمال سیاست‌های اعتباری پرداخته و با معرفی انواع ابزارهای سیاست اعتباری، کانال‌های اثرگذاری آن مورد توجه قرار می‌گیرد. به دنبال آن، چالش آزادسازی/ سرکوب مالی مطرح می‌شود. پس از آن وضعیت اقتصاد ایران در رابطه با امکان بکارگیری سیاست‌های اعتباری و میزان اثرگذاری آن بررسی می‌شود. در بخش بعدی، مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی مطرح شده و بر اساس مطالعات یافت‌شده، رابطه آنها با سیاست‌های اعتباری بانک‌ها شرح داده می‌شود. در انتها نیز با توجه به گزارش‌ها و پژوهش‌های رصد شده و خلاءهای موجود، پیشنهادات پژوهشی ارائه می‌گردند. فرم‌های بازخوانی در بخش ضمیمه آمده است.

۲- اهمیت و ضرورت اعمال سیاست‌های اعتباری

سیاست اعتباری می‌تواند ابزار مؤثری برای توسعه اقتصادی باشد. عوامل اقتصادی و نهادی، هر دو در موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌های اعتباری نقش مهمی ایفا می‌کنند. عوامل اساسی اقتصادی شامل اعتماد به بخش خصوصی، گرایش به سمت صنعتی شدن، جهت‌گیری به سمت تولید صادراتی، تشویق رقابت داخلی و الزام به ثبات قیمت‌ها است. عوامل اساسی نهادی شامل گسترش و افزایش مشاوره بین دولت و بخش خصوصی، سیستم‌های نظارتی مؤثر و از همه مهم‌تر یک برنامه شفاف و معتبر برای توسعه اقتصادی است (ویتاس و چو، ۱۳۸۲).

در یک دنیای آرمانی که اطلاعات اقتصادی کاملی مهیا و دردسترس است، نظام مالی نظامی انفعالی است. سرمایه‌گذاران در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که دارای بالاترین بازدهی است و دولت و مؤسسات مالی هیچ یک نیازی به بهبود تخصیص اعتبار ندارند. اما در دنیای واقعی به هر حال اطلاعات بسیار ناقص و دسترسی به آن پرهزینه است و تخصیص اعتبار از توزیع نابرابر اطلاعات، از هزینه‌های نظارتی و بازرسی و از هزینه‌های عدم‌اجرای قرارداد آسیب می‌بیند. تحت این شرایط، اعتبار لزوماً به بهترین استفاده‌اش تخصیص داده نمی‌شود. نامتقارن بودن اطلاعات، این امکان را که اعتبار به متقاضیان غیرموجه، به افراد غیرقابل اعتماد یا به برخی از افراد که تلاش خواهند کرد بدون هزینه از مزایای تخصیص اعتبار برخوردار شوند را گسترش می‌دهد و نیز این امکان را که انگیزه‌های برخاسته از برنامه اعتباری با یکدیگر و با اهداف برنامه متناقض باشند را افزایش می‌دهد. این مشکلات ممکن است با ناطمینانی درباره بازدهی طرح و آثار جانبی پویا که در صورت افزایش سریع‌تر منافع خارجی یا اجتماعی نسبت به منافع خصوصی حادث می‌شود، بیشتر تشدید شود. وجود مشکلات بالقوه از این دست، مداخله دولت و نهادهای مالی را در تخصیص اعتبار توجیه می‌کند (همان).

برنامه‌های اعتباری هدایت‌شده که وام‌ها را بر اساس مناسبات و شرایط ترجیحی به بخش‌های اولویت‌دار تخصیص می‌داد، ابزار مهم سیاست توسعه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود. درک این واقعیت که اکثر این برنامه‌ها، انگیزه‌های اقتصادی تحریف‌شده‌ای در میان هر دو گروه وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان ایجاد کرده بود، منجر به تجدیدنظر در منطق و اثربخشی آنها طی دهه ۱۹۸۰ شده است. کشورهای گوشه و کنار جهان دریافتند که برنامه‌ها، اولاً پروژه‌هایی را تشویق کرده‌اند که سرمایه‌بر بوده‌اند، ثانیاً سرمایه‌ی ترجیحی گاهی اوقات برای مقاصد غیراولویت‌دار استفاده شده است و ثالثاً هزینه تأمین سرمایه را برای وام‌گیرندگان غیرمرجح افزایش داده است.

۳- سیاست پولی - اهداف و ابزارها

سیاست‌هایی که توسط بانک مرکزی در جهت کنترل نقدینگی اعمال می‌شوند، سیاست‌های پولی نام دارند که عموماً به دو نوع انبساطی (سیاست‌هایی که موجب افزایش عرضه پول در اقتصاد می‌شوند) و انقباضی (سیاست‌هایی که عرضه پول در اقتصاد را کاهش می‌دهند) تقسیم می‌شوند. برخی اقتصاددانان سیاست پولی را تنظیم اوضاع و احوال اقتصادی از طریق نرخ بهره می‌دانند. اگرچه اهداف مقطعی و کوتاه‌مدت سیاست‌های پولی، کنترل نقدینگی و کارایی هرچه بیشتر نظام بانکی است، این سیاست‌ها با اثرگذاری بر عرضه پول و نرخ بهره بسیاری از اهداف اقتصادی را متأثر می‌سازند. عمده‌ترین اهداف سیاست پولی عبارتند از:

۱- تسریع رشد اقتصادی

۲- ایجاد اشتغال کامل

۳- تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها

۴- ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی

مقامات پولی برای تأثیرگذاری بر عرضه پول در چارچوب سیاست‌های پولی، از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند که به دو گروه کمی و کیفی قابل تفکیک‌اند. ابزارهای کمی سیاست پولی شامل تغییر در نرخ سپرده قانونی، نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز می‌باشند. مقصود از ابزارهای کیفی، همان کنترل کیفی اعتبارات است که از این طریق، بانک مرکزی به عنوان مجری سیاست‌های پولی، از میزان اعتبارات برای هدف‌های غیرلازم کاسته و یا آن را ممنوع اعلام می‌کند. این ابزارها عبارتند از: سقف کلی اعتبار (تعیین حد مجاز برای رشد مانده اعتبارات)، کنترل‌های انتخابی اعتبار (این ابزار معمولاً به شکل سقف برای وام‌ها و اعتبارات برای مقاصد مشخص است و می‌تواند به شکل پیش‌پرداخت قانونی باشد)، مقررات در مورد نرخ بهره (تعیین حداکثر نرخ بهره سپرده‌ها و وام‌ها) و ترغیب اخلاقی (بصورت توصیه‌هایی در زمینه اولویت‌هایی که مورد نظر بانک مرکزی در مورد نحوه فعالیت بانک‌ها به خصوص در زمینه‌های اعتباری) است (نادران، ۱۳۸۳).

در بانکداری متعارف، بهره به صورت یک اهرم می‌تواند با کم یا زیاد شدن بر تغییر حجم اعتبارات موثر باشد. اما در بانکداری اسلامی به علت آنکه بهره از مکانیزم بانکداری حذف می‌شود، برای تکمیل ابزار سیاست پولی ابزارهای جدیدی ارائه شده است. ابزارهای عمده‌ای که به طور مستقیم در این راستا مورد توجه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است عبارتند از (خدایی، ۱۳۸۳):

الف- سقف‌های اعتباری بانک‌ها

ب- نسبت‌های نقدینگی قانونی

ج- اعتبارات هدایت‌شده

فواید عمده این ابزارها به شرح زیر است:

- ۱- این ابزارها برای کنترل متغیرهای اعتباری یا تخصیص اعتبار و هزینه‌های آنها، قابل اعتماد بوده و در بسیاری از کشورها برای مدتی به خوبی عمل کرده‌اند.
- ۲- کاربرد نسبتاً آسانی دارند.

۳- هزینه مالی مستقیم آنها نسبتاً پایین است.

۴- برای کمی کردن و مرتبط شدن به برنامه پولی در محدوده یک چارچوب سیاست اقتصادی، به آسانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۵- در کشورهایی که سیستم مالی غیررقابتی و بازارهای پولی غیرپیشرفته دارند، ابزارهای مستقیم تنها ابزارهای پولی هستند که به صورت موثر قابلیت کاربرد دارند.

۶- در شرایط کمیابی اعتبار، ابزار سقف‌های اعتباری بدون توجه به نوع نظام نرخ ارز، بهترین ابزار به شمار می‌روند.

۷- ابزارهای مستقیم- به صورت موقت- در هنگام وقوع بحران‌های شدید مالی که به شکست بازار منتهی می‌شود، بسیار مفید می‌باشند.

در کنار فواید این ابزارها، مشکلاتی نیز وجود دارد و آن هنگامی است که بانک‌ها از اجرای سیاست سقف‌های اعتباری سر باز زده و باعث تخصیص غیربهرینه منابع می‌شوند. برای مثال، ماهیت فعالیت‌های بانکداری ایجاب می‌کند که بانک‌ها ضمن حفظ استقلال خویش، از لحاظ رقابتی بودن، سهم خود را در بازار اعتباری نیز گسترش دهند، لیکن اجرای سیاست سقف‌های اعتباری باعث می‌شود که بانک‌ها انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های ماهوی خویش نداشته باشند. استفاده از ابزارهای پولی مستقیم احتمال افزایش مازاد منابع (نقدینگی) بانک‌ها را به وجود می‌آورد. زیرا قدرت وام‌دهی بانک‌ها به وسیله اجرای این سیاست محدود می‌شود. به علاوه چنانچه این مازاد منابع صرف تأمین کسری بودجه شود، پیامدهای تورمی را به دنبال خواهد داشت.

۴- کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی

۴-۱- کانال اعتباری

کارکرد کانال اعتباری به این صورت است که کاهش حجم پول (سیاست پولی انقباضی) موجب کاهش سپرده‌های بانکی می‌شود و بدین ترتیب قدرت وامدهی بانک‌ها کاهش می‌یابد. با کاهش وام‌های بانکی، سرمایه‌گذاری کاهش یافته و لذا تولید ملی کاهش می‌یابد. عکس این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست پولی انبساطی اعمال شود. ادبیات موجود نشان می‌دهد که کانال اعتباری از طریق دو کانال ابتدایی، بر انتقال سیاست پولی اثر می‌گذارد که عبارتند از: کانال وامدهی بانکی و کانال ترازنامه.

۴-۲- کانال وامدهی بانکی

کانال وامدهی بانکی فرض می‌کند که اعتبارات بانکی منبع اصلی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند، حال آنکه بنگاه‌های بزرگتر می‌توانند بطور مستقیم از طریق انتشار سهام و اوراق قرضه، به بازارهای مالی دسترسی داشته باشند. بنابراین، اعتبارات نقش مهمی در انتقال و ایجاد ارتباط میان بین بخش پولی و واقعی و بخش واقعی اقتصاد بازی می‌کند. در واقع سیاست پولی انقباضی موجب کاهش سپرده‌های بانکی شده و لذا به ناچار تعدادی از متقاضیان دریافت اعتبار از چرخه اعتبارات حذف می‌شوند و به دنبال آن سرمایه‌گذاری و تولید واقعی کاهش می‌یابد. عکس این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست پولی انبساطی اعمال شود.

۴-۳- کانال ترازنامه

سیاست پولی انقباضی به چند طریق موجب تضعیف ترازنامه وام‌گیرندگان می‌شود: اولاً باعث تضعیف موقعیت مالی بنگاه می‌شود (از طریق کاهش ارزش وثیقه‌های وام‌گیرندگان و ارزش خالص بنگاه)، ثانیاً خالص جریان وجوه را کاهش می‌دهد و ثالثاً افزایش نرخ بهره با فرض اینکه بدهی‌های بنگاه دارای نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت یا نرخ بهره شناور باشد، باعث افزایش مخارج بهره‌ای می‌شود. راه چهارم تضعیف ترازنامه وام‌گیرندگان، مسئله انتخاب ناسازگار است. همچنین کاهش ارزش خالص بنگاه‌ها آنها را متمایل به این می‌کند که خود را متعهد به طرح‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌دار نمایند و این امر خود موجب افزایش مسئله مخاطرات اخلاقی می‌شود.

در رابطه با اثر اعمال سیاست تعیین سقف‌های اعتباری بر روی نرخ‌های بهره باید متذکر شد که در صورت عدم کنترل نرخ بهره، و به شرطی که سقف تعیین شده پایین‌تر از حدی باشد که در حالت آزادی نیروهای بازار تعیین می‌شود، اجرای این سیاست به افزایش نرخ‌های بهره می‌انجامد. در حالتی که هم برای نرخ بهره و هم برای اعتبار سقف تعیین شود، تخصیص نامناسب منابع مالی پدید می‌آید، چون بانک‌ها مجبورند که اعتبار را در چارچوب سقف تعیین شده با توسل به عوامل غیربازاری تخصیص دهند. همچنین به میزانی که بانک‌ها منابع برای اعطای وام در اختیار دارند- که به دلیل وجود سقف‌های تعیین شده قادر به استفاده از آن نیستند- به همان نسبت از میزان رقابت بین بانک‌ها و مؤسسات مالی کاسته خواهد شد. ضمناً به علت آنکه درآمدهای بانک در اثر سقف‌های مصوب محدود

شده است، لذا این احتمال وجود دارد که قادر و مایل به جذب سپرده‌های بیشتر نباشد. در چنین شرایطی، امکان کاهش سهم بانک‌ها در بازار مالی در مقابل سایر مؤسسات مالی غیربانکی وجود دارد. لذا بانک مرکزی ممکن است از سیاست کنترل‌های انتخابی اعتبار که به صورت سقف برای وام‌ها و اعتبارات برای مقاصد مشخص است، بهره جوید. این کنترل‌ها می‌تواند به شکل پیش‌پرداخت قانونی باشد، بدین معنی که متقاضیان اعتبار بخشی از منابع مورد نیاز را شخصاً تأمین می‌کنند. میزان پیش‌پرداخت هم می‌تواند در رشته‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی متفاوت باشد. به طور کلی، هدف از اجرای چنین سیاستی، هدایت منابع مالی به سمت مصارف موردنظر می‌باشد. این کنترل‌ها همچنین می‌تواند به صورت حداکثر میزان مجاز برای اعطای اعتبار و نیز سررسید وام‌ها و اعتبارات برای مصارف نهایی خاص باشد.

برنامه‌های اعتباردهی از یک طرف باید با در نظر گرفتن اهداف کلان اقتصادی (رشد اقتصادی، تورم، اشتغال و برابری) و بین‌بخشی به گونه‌ای طراحی شود که اولاً اهداف بلندمدت کلان اقتصادی فراهم آید، ثانیاً اصلاحات موردنظر در بخش‌های هدف انجام شود و ثالثاً باعث بلوغ بنگاه‌های اقتصادی شود، نه اینکه بنگاه‌ها به این اعتبارات وابسته شوند و از طرف دیگر، سازمان اجرایی اعتباردهی برای رسیدن به اهداف مذکور باید به خوبی مدیریت شود. با توجه به تجربه کشورهای مختلف در زمینه اعتباردهی پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

الف- برنامه‌های اعتباری باید اندازه کوچک، تمرکز کم (دقیق) و دوره محدود، با تمهید آشکاری برای توقف تدریجی داشته باشند.

ب- بهتر است برای حداقل کردن انگیزه‌های انتفاع از نوسانات قیمت‌ها و همچنین کاهش مالیات بر واسطه‌های مالی، که تمام برنامه‌های اعتباری ضرورتاً متضمن آنها هستند، برنامه‌ها از میزان یارانه لاندکی برخوردار باشند.

ج- بهتر است برای اجتناب از تورم، برنامه‌ها توسط وجوه بلندمدت تأمین مالی شوند؛ مخصوصاً باید از رجوع به اعتبارات بانک مرکزی اجتناب گردد؛ مگر در مراحل بسیار اولیه توسعه. زمانی که برنامه‌های اعتباری توسط اعتبارات بانک مرکزی حمایت می‌شوند، ممکن است به شروع جهشی رشد اقتصادی کمک کند. با این حال، حتی در این مرحله هم باید به جلوگیری از نرخ‌های بالای تورم توجه نمود.

۵- چالش سرکوب / آزادسازی مالی

در بیشتر کشورهای در حال توسعه مسئولان پولی در روند تعیین نرخ بهره واقعی دخالت می‌کنند و باعث بروز پدیده‌ای به نام سرکوب مالی می‌شوند. سرکوب مالی به‌عنوان فن نگهداری نرخ‌های بهره واقعی (بویژه نرخ‌های بهره روی سپرده‌ها) در زیر سطوح تعادلی بازار تفسیر می‌گردد که عکس آن آزادسازی مالی نامیده می‌شود (صمدی، ۱۳۷۸). دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با سرکوب و آزادسازی مالی وجود دارد. در دیدگاه اول که با تحلیل‌های کینزین‌ها و کلاسیک‌ها سازگار است و سرکوب مالی را توصیه می‌نماید، نرخ بهره عامل اصلی هزینه سرمایه دانسته می‌شود. لذا اعتقاد بر آن است که نرخ‌های بهره پایین روی وام‌های بانکی و سپرده‌ها زمینه کاهش مخارج سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. مکینون و شاو اقتصاددانانی بودند که اولین بار نظراتی مغایر با این اعتقادات مبتنی بر آزادسازی مالی مطرح نمودند. آنها معتقدند که افزایش نرخ‌های بهره (تا سطح تعادلی بازار) تعداد افرادی که مایل به نگهداری دارایی‌های مالی هستند را کاهش و تمایل آنها به نگهداری دارایی‌های خارجی و دارایی‌های غیرمالی مانند طلا، کالاها، زمین و مانند آنها را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب نظام مالی داخلی قادر به ارائه بیشتر وام‌ها (وجه قابل سرمایه‌گذاری) به سرمایه‌گذاران است و بنابراین نرخ تعادلی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. همچنین اگر هزینه واسطه‌گری بانک‌ها با داشتن ساختار بانکی رقابتی و کمترین مالیات‌بندی بر واسطه‌گری‌های مالی، پایین نگه داشته شود؛ نرخ تعادلی سرمایه‌گذاری بیشتر افزایش خواهد یافت. در دیدگاهی دیگر، اقتصاددانان ساختارگرای جدید این حقیقت را که نرخ‌های بهره بانکی بالاتر با انتقال وجه از سایر شکل‌های نگهداری دارایی مانند بازارهای اعتباری غیررسمی یا بازارهای سهام به افزایش سپرده‌های بانکی منجر می‌شوند را باور دارند، اما آنها معتقدند که بعضی از این بازارهای اعتباری غیررسمی (خصوصی) ممکن است منابع مالی مؤثرتری را برای سرمایه‌گذاری فراهم کنند. زیرا این بازارها کنترل‌شده نیستند و نیاز به نگهداری ذخایر ندارند. بنابراین بر اساس نظر ساختارگرایان جدید، افزایش نرخ بهره سپرده‌های بانکی ممکن است نرخ سرمایه‌گذاری را بیشتر از افزایش آن در اقتصاد، کاهش دهد. استیگلیتز مخالف آزادسازی کنترل‌نشده و طرفدار سرکوبی مالی ملایم و کنترل‌شده هستند (شاگری و خسروی، ۱۳۸۳).

سیاست‌های نرخ بهره از بحث‌برانگیزترین راهبردهای تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. به‌گونه‌ای که تغییر این متغیر بر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر می‌گذارد. آمار و اطلاعات موجود نشان می‌دهد که در سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی در اقتصاد ایران، دخالت دولت در مسائل اقتصادی بسیار معمول بوده است. بدین معنا که تخصیص منابع بر اساس صلاحدید و تمایلات سیاست‌گذاران و نه بر اساس سازوکار بازار صورت می‌گیرد که بازار پول و سرمایه نیز از این قانون کلی مستثنا نبود (کشاورزبان پیوستی و عظیمی چنزق، ۱۳۸۴).

با توجه به مطالعات انجام شده مشخص شده است که آزادسازی مالی در کوتاه‌مدت منجر به انفجار سرمایه‌گذاری و رشد سریع اقتصادی می‌شود، اما در میان‌مدت ممکن است کشور را دچار بحران مالی سازد. البته کشورهایی که دارای ساختار مالی توسعه‌یافته و اقتصاد کلان باثبات می‌باشند، حتی در میان‌مدت نیز از آزادسازی مالی نفع می‌برند و در نهایت در بلندمدت با ایجاد ثبات اقتصادی و توسعه زیرساختار بخش مالی، مقوله آزادسازی مالی منجر به رشد

اقتصادی می‌گردد. مجتهد و احمدیان (۱۳۹۲) نشان دادند که اثر متقابل آزادسازی بازار مالی بر رشد اقتصادی ایران منفی است که این امر می‌تواند ناشی از عدم توسعه یافتگی بازار مالی در ایران باشد. در ایران سیستم بانکی بخش مسلط مالی می‌باشد و سهم اوراق بهادار بسیار ناچیز است. در ایران توسعه نظام مالی به معنای واقعی رخ نداده و بسیاری از نهادها و واسطه‌های مالی وجود ندارند. عدم کارایی نظام مالی موجود، یک تغییر نگرش در نوع صلاحات در دست اجرا را می‌طلبد. بهتر است به جای توسعه تقلیدگونه واسطه‌های مالی بر معماری مناسب نظام مالی تأکید شود، حلقه‌های مفقوده این نظام به خصوص در بازار سرمایه شناسایی گردد و نسبت به راه‌اندازی آن اقدامات لازم انجام پذیرد. توسعه نظام مالی بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی می‌تواند خطرآفرین باشد.

۶- چالش اعطا / عدم اعطای تسهیلات تکلیفی

معمولاً تسهیلاتی که با یک یا چند مورد از ضوابط اعتباری رایج بانک‌ها هماهنگی نداشته باشد و بانک‌ها بر اساس مصوبات مقاماتی خارج از سیستم بانکی، مسئول اعطای اینگونه تسهیلات باشند، تحت عنوان تسهیلات تکلیفی تلقی می‌شود. اعطای تسهیلات تکلیفی در صورتی که بر اساس یک روش تحریکی، واحدهای اقتصادی را که به دلیل موجهی متوقف شده‌اند یا امکان مالی لازم برای ورود به بازار کار را ندارند، ولی از توانایی توجه‌پذیری برخوردارند، می‌تواند به عنوان یک سیاست در اقتصاد اسلامی مورد تأیید باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که تسهیلات تکلیفی پس‌اندازهای خصوصی را از طریق یارانه‌ای که دولت می‌پردازد به طرف سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی یا قابل توجیه اجتماعی سوق دهد.

با نگاهی به قوانین بودجه در سال‌های اخیر می‌توان کاربردهای تسهیلات تکلیفی را در ابعاد خلاه نمود:

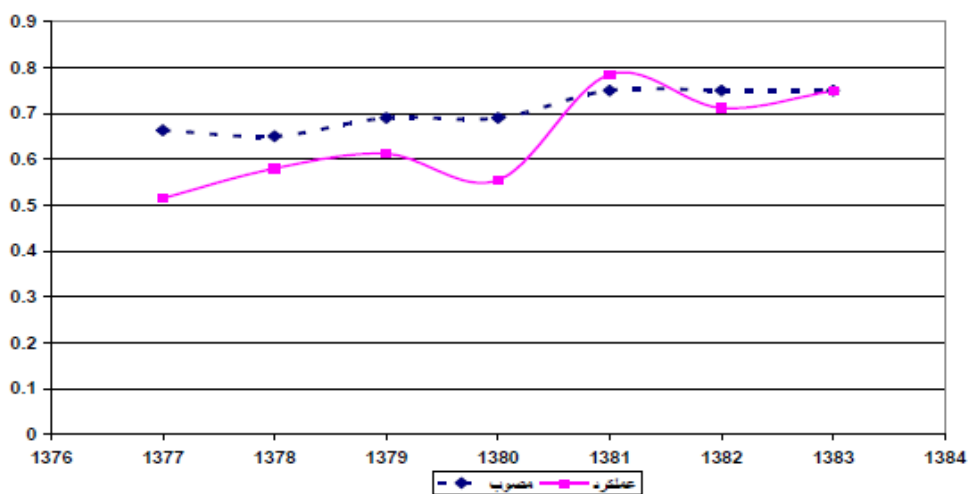
الف- تسهیلات تکلیفی با هدف اشتغال

ب- تسهیلات تکلیفی با هدف تولید و خودکفایی

ج- تسهیلات تکلیفی با هدف اجتماعی و فرهنگی

د- تسهیلات تکلیفی با هدف ارائه خدمات و تنظیم بازار

نمودار ۱- سهم بخش غیردولتی از تسهیلات تکلیفی



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۴)

نکته مهم در رابطه با تسهیلات تکلیفی، توجه به سایر اشخاص واجد شرایطی است که در صورت عدم کنترل جریان تسهیلات تکلیفی، نه تنها حقوق اقتصادی آنان پایمال خواهد شد، بلکه جریان جدیدی از رانت‌خواری برای کسانی که موفق به دریافت آن از طریق سندسازی و ارتباط بوده‌اند، شکل خواهد گرفت. بنابراین حتی‌الامکان باید از توسعه غیرضروری این روند جلوگیری نمود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴).

اتکای بیش از حد به ابزارهای مستقیم در اعطای تسهیلات بانکی- خصوصاً تسهیلات تکلیفی در قالب برنامه‌های پنج ساله و بودجه‌های سالیانه- تبعات و پیامدهای منفی متعددی به دنبال داشته است که پاره‌ای از آنها عبارتند از:

۱- تخصیص غیربهبینه منابع مالی

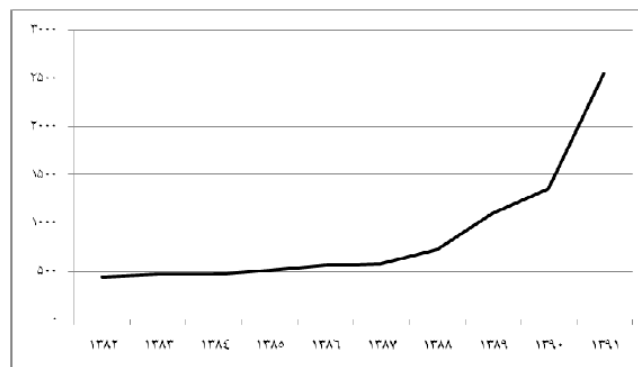
- ۲- تضعیف سیاست‌های پولی
- ۳- اثر منفی بر مشتریان عادی بانک‌ها
- ۴- اثر منفی بر سودآوری بانک‌ها
- ۵- افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها
- ۶- تضعیف مدیریت بانک‌ها در استان‌ها
- ۷- افزایش بار بودجه‌ای دولت
- ۸- ایجاد اختلال در مدیریت نقدینگی بانک‌ها

۷- چالش مطالبات معوق

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که وخامت ترازنامه بانک‌ها و نظام بانکی آغاز بسیاری از بحران‌های اقتصادی در سطح کشوری و بین‌المللی است. در بسیاری از کشورها افزایش سهم وام به دارایی بانک‌ها به طور کلی، و افزایش مطالبات نامناسب، بد، معوق و مشکوک‌الوصول به طور خاص، مهم‌ترین دلیل وخامت ترازنامه بانک‌ها است. ضعف مقررات و بی‌تجربه بودن بانک‌ها در غربالگری و نظارت بر قرض‌گیرندگان، باعث افزایش زیان وام‌ها و فزونی گرفتن مطالبات معوق شده که این خود باعث نقصان ارزش ویژه بانک‌ها گردیده است. نتیجه چنین وضعیتی برخورداری از منابع کمتر برای اعطای وام شده که به ناچار انقباض در اقتصاد ملی را به دنبال داشته است. به اعتقاد کارشناسان یکی از عوامل اساسی در کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌ها، افزایش مطالبات معوق بانکی است. می‌توان گفت که مطالبات معوق زائیده دو بخش است: بخش اول، ارادی و اختیاری فرد وام‌گیرنده و بخش دیگر تحت تأثیر عوامل خارج از حیطه اختیار وام‌گیرندگان است که از جمله می‌توان به شرایط کلان اقتصادی و مالی نظیر تورم، نرخ ارز، نرخ سود و غیره اشاره نمود. در ایران بانک‌ها بزرگترین نهاد مالی بوده و اعتبارات رگ حیاتی سیستم بانکی و تمام واحدهای اقتصادی می‌باشند. همچنین توزیع اعتبارات برای هر دو بخش فوق متأثر از سیاست‌های کلان اقتصادی علی‌الخصوص در حوزه مالی و پولی است. از آنجا که بانک‌های کشور از لحاظ سرمایه اکثراً وابسته به بخش دولتی می‌باشند، در نتیجه اولین توجه به‌منظور تأمین منابع به سوی این بانک‌ها معطوف می‌شود. در شرایطی که بانک‌های دولتی از حمایت دولت برای جلوگیری از ورشکستگی برخوردارند، افزایش مطالبات معوق موجب عدم تحقق اهداف ارائه تسهیلات بانکی در جهت رشد اقتصادی کشور و اتلاف منابع محسوب می‌گردد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۰) در پی یافتن اثر رفتار متغیرهای کلان اقتصادی و اثر شوک‌های حدی بر روی نرخ مطالبات معوق سیستم بانکی، اثر سه نوع متغیر پولی، مالی و ساختاری را بر میزان مطالبات معوق سیستم بانکی کشور مورد بررسی قرار دادند. در چند سال اخیر یک از مهم‌ترین چالش‌های فراروی نظام بانکی کشور، سیر فزاینده مطالبات معوق بوده است. این امر با توجه به بانک‌محور بودن بازار مالی و پولی کشور و برخورداری بانک‌ها از حدود ۹۰ درصد نقدینگی کشور، به یک چالش ملی مبدل شده است. افزایش مجموع مطالبات معوق در راستای افزایش تسهیلات اعطایی، نشان‌دهنده افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها است. افزایش این نسبت در سال‌های گذشته گویای وخامت ترازنامه بانک‌ها و عملکرد ضعیف بانک‌ها در مدیریت ریسک است.

نمودار ۲- روند بدهی دولت به سیستم بانکی (هزار میلیارد ریال)



مأخذ: حیدری و همکاران (۱۳۹۰)

۸- سیاست‌های پولی - اعتباری در ایران

دولت ایران برای تحریک رشد بخش‌های اقتصادی مورد نظر، ابزارهای دخالت مستقیم و سیاست‌گذاری متنوعی در اختیار دارد. توسعه بخش صنعت و صنعتی شدن، از دیرباز توسط این ابزارهای کمی، سیاست‌های پولی در کشور را بسیار محدود نموده و در چند دهه اخیر، ابزارهای کیفی سیاست پولی همچون اعتبارات بانکی، نقش مهمی را در کنترل بخش‌های اقتصادی به عهده گرفته است و به دلیل عقب مانده بودن بازارهای پولی و مالی، این اعتبارات یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی بنگاه‌های صنعتی به حساب می‌آیند.

نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد ایران و ساختار بازارهای مالی و پولی آن، بانک مرکزی را در استفاده از ابزارهای کمی سیاست پولی با محدودیت روبرو ساخته است. بنابراین، تنها ابزارهای کیفی سیاست پولی در ایران قابل اجرا هستند و وجود بانک‌های دولتی چنین امکانی را برای دولت ایران بهتر از هر کشور دیگری فراهم نموده است (نادران، ۱۳۸۳). بر اساس ماده ۱۹ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی سالانه سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی بانک‌ها را تنظیم می‌نماید و بر این اساس، نرخ رشد افزایش مانده تسهیلات بانک‌ها به بخش غیردولتی به عنوان حد مجاز اعتباری تعیین می‌شود. برای تعیین سقف‌های کلی اعتبار از ترازنامه تلفیقی بانک مرکزی استفاده می‌شود. نرخ‌های سود تسهیلات بانکی نیز توسط قانون عملیات بانکی بدون ربا تعیین می‌شود. به طور کلی بخش‌های مختلف اقتصادی بر اساس تصمیم‌گیری‌های مقامات دولتی، سالانه هم سهم متفاوتی از اعتبارات بانکی را دریافت می‌کنند و هم نرخ بهره‌ای که می‌پردازند متفاوت است.

یکی از عوامل مهم در اثرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای واقعی اقتصاد، با توجه به دیدگاه کینزین‌ها، پایین بودن نرخ میل نهایی به پس‌انداز می‌باشد که به بزرگتر شدن ضریب تکاثری منجر شده و می‌تواند در افزایش تقاضای کل نقش مهمی را ایفا کند. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که در کشورهای در حال توسعه، میل نهایی به پس‌انداز در حد پایینی قرار دارد، لذا در نظر اول چنین استنباط می‌شود که ضریب فزاینده، بالا بوده و بنابراین ضربه ناشی از افزایش تقاضا، می‌باید بسیاری از متغیرهای واقعی اقتصاد مانند تولید را تحت تأثیر قرار دهد و افزایش آنها را سبب شود اما به علت وجود تنگنایهای اقتصادی و ریسک مترتب بر سرمایه‌گذاری که در ایران وجود دارد، نه تنها سیاست پولی انبساطی تأثیری بر تولید نداشته، بلکه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم در جامعه منجر می‌شود (خدایی، ۱۳۸۳).

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی، بازارهای مالی در اقتصاد ایران بازارهایی ناهمگون و غیرمتشکل هستند. بخش عمده‌ای از سرمایه‌های پولی و مالی به طرق مختلف از طریق پنهان‌کاری‌های گسترده وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های غیرمولد از طریق استقراض‌هایی صورت می‌گیرد که به لحاظ کارآمدی در اقتصاد ایران مطلوب نمی‌باشند. بخش عمده‌ای از نظام تخصیص اعتبارات، دستوری است. در بازارهای مالی اقتصاد ایران دخالت گسترده دولتی جایگزین نظارت شده است. این شرایط موجب محدود ماندن فعالیت بازارهای مالی شده و کارکرد متغیرهای قیمتی را با مشکل مواجه می‌کند. فقدان اطلاعات یا بازار ناقص اطلاعات در بازارهای مالی از عواملی است که کارایی آنها را به شدت کاهش می‌دهد. نبود قوانین منسجم و بی‌ثباتی عواملی بوده که شکل‌گیری و انسجام بازارهای مالی را متأثر ساخته است. وجود هزینه مبادله بالا در اقتصاد ایران،

کارایی اقتصادی اعتبارات را با مشکل مواجه می‌کند. در چنین شرایطی مقررات کافی به منظور نظارت و حساب‌دهی، حساب‌پذیری و انضباط مالی و فقدان اطلاعات صحیح و به‌هنگام در مورد متغیرهای مالی و وجود اغتشاش در نظام قیمت‌ها از جمله نرخ سود بانکی سبب می‌شود تا بازار مالی فاقد نقشی موثر و کارا در اقتصاد ایران باشد و پدیده‌هایی همچون بازار سیاه مالی و انحصارات به شکل‌های مختلف گسترش پیدا کند. وجود چنین شرایطی موجب آشفتگی و درهم‌ریختگی بازارهای مالی می‌شود. عدم تعادل بودجه‌ای دولت، سهمیه‌بندی اعتبارات، ارائه تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، مداخله دولت در تعیین سود و تحمیل تسهیلات تکلیفی به نظام بانکی شرایطی را به وجود می‌آورد که کارایی نظام پولی را در اقتصاد کاهش و کارکرد آن را با اختلال مواجه می‌سازد.

نتایج تحقیق تقوی و لطفی (۱۳۸۵) حاکی از آن است که شاخص سیاست پولی (نرخ سپرده قانونی) تأثیر منفی اما بسیار ناچیزی بر نرخ رشد حجم سپرده‌ها، اعتبارات اعطایی و نقدینگی بانک‌های مورد بررسی دارد. بنابراین وجود کانال اعتباری سیاست پولی در ایران تأیید می‌شود اما از آنجا که این اثر بسیار ناچیز است، عملاً کارایی سیاست پولی و کارکرد کانال اعتباری از اعتبار ساقط می‌شود.

در اینجا به بررسی روند نرخ سود تسهیلات بانکی، اعتبارات اعطا شده به تفکیک بخش‌های اقتصادی و سپرده قانونی، به عنوان مهم‌ترین سیاست‌های اعتباری می‌پردازیم. با نگاه به آمارهای موجود می‌توان مشاهده نمود که در دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۲ نرخ بهره مربوط به بخش کشاورزی از همه بخش‌ها کمتر، و نرخ بهره بازرگانی و خدمات از همه بخش‌ها بالاتر بود. در دوره ۱۳۶۸-۱۳۵۸ تقریباً نرخ سود تسهیلات اعطایی به همه بخش‌ها کاهش یافت. در برنامه اول یعنی از سال ۱۳۶۹ به بعد، تقریباً همه نرخ‌های سود افزایش یافت و استدلال نیز این بود که با نرخ‌های سود بالاتر، مردم بیشتر پس‌انداز می‌کنند و بنابراین می‌توان وجوه را به سمت سرمایه‌گذاری هدایت کرد. اما به این نکته توجه نشد که اگر پول‌ها و پس‌اندازها مابه‌ازای کالایی نداشته باشند و نرخ سود سپرده‌ها هم بالا رود، وقتی نقدینگی مردم جمع‌آوری و بهره بالا پرداخت می‌شود، خودبه‌خود فعالیت‌های سوداگرانه، صادرات و واردات گسترش می‌یابد. این اتفاق در برنامه اول رخ داد. در برنامه دوم جز بخش صادرات، نرخ سود تسهیلات اعطایی به همه بخش‌ها افزایش یافت. افزایش نرخ سود کشاورزی از سایر بخش‌ها بیشتر بود. این در حالی است که فعالیت‌های سوداگرانه رواج و زمینه برای نرخ‌های سود بالا را فراهم نمود و تولید نیز رشد قابل ملاحظه‌ای نیافت. در برنامه چهارم نرخ سود همه بخش‌ها یکسان شد (جز بخش مسکن) و به این ترتیب نرخ سود تسهیلات اعطایی به بازرگانی و خدمات و مسکن به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. این در حالی بود که فعالیت‌های سوداگرانه در مدار رونق و شتاب قرار داشت و رانت سوداگران افزایش یافت. نرخ‌های بازدهی بالای بخش واسطه‌گری مالی و بالاتر بودن شاخص PPI این بخش از شاخص PPI سایر بخش‌ها به خوبی گویای آن است که وام‌های اعطایی بانک‌ها (حتی بخشی از وام‌هایی که ظاهراً به بخش تولید اعطا شده بود) به بخش نامولد تعلق گیرد. بر این اساس می‌توان گفت قبل از مهار نقدینگی و تورم و بدون شناسایی بخش نامولد و نقش مخرب آن در اقتصاد، نباید نرخ سود را بالا برد.

جدول ۱- نرخ سود (مورد انتظار) تسهیلات بانکی در بخش‌های مختلف

سال	صادرات (درصد)	بازرگانی و خدمات و متفرقه (درصد)	مسکن و ساختمان (درصد)	صنعت و معدن (درصد)	کشاورزی (درصد)
۱۳۸۰	۱۸	۲۳=<	۱۵-۱۶	۱۶-۱۸	۱۴-۱۵
۱۳۸۱	۱۷	۲۲=<	۱۴-۱۵	۱۵-۱۷	۱۳-۱۴
۱۳۸۲	۱۵	۲۱=<	۱۵	۱۶	۱۳.۵
۱۳۸۳	۱۴	۲۱=<	۱۵	۱۵	۱۳.۵
۱۳۸۴	۱۶	۱۶=<	۱۵	۱۶	۱۶
۱۳۸۵	۱۴	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴
۱۳۸۶	۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲
۱۳۸۷	۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲
۱۳۸۸	۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲
۱۳۸۹	۱۲-۱۴	۱۲-۱۴	۱۲-۱۴	۱۲-۱۴	۱۲-۱۴
۱۳۹۰	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵
۱۳۹۱	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵
۱۳۹۲	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵	۱۴-۱۵

مأخذ: سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی

جدول ۲- سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تغییر در مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

بخش اقتصادی	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
کشاورزی و آب	۱۸.۳	۱۹.۰	۲۱.۸	۱۶.۳	۱۶.۷	۱۴/۳	۱۳/۰	۱۴/۱	۱۰/۹	۱۲/۲	۸/۰	۲۰
صنعت و معدن	۲۸.۹	۳۸.۹	۳۸.۰	۳۹.۶	۳۷.۰	۲۷/۰	۲۱/۵	۲۲/۴	۲۱/۹	۲۳/۷	۲۲/۵	۳۷
ساختمان و مسکن	۲۸.۲	۲۶.۳	۲۹.۲	۲۰.۰	۱۶.۷	۲۳/۱	۲۳/۴	۱۶/۱	۳۷/۸	۳۳/۵	۴۵/۵	۲۵
بازرگانی و خدمات	۷.۹	۱.۸	-۳.۷	۲.۲	۳.۰	۳۴/۲	۴۱/۹	۴۵/۹	۲۴/۷	۳۰/۶	۲۳/۷	۸
صادرات	۱۶.۷	۱۴.۰	۱۴.۷	۲۱.۹	۲۶.۶	۱/۴	۰/۲	۱/۵	۴/۷	۰/۰	۰/۳	۱۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰

مأخذ: سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی

جدول ۳- نسبت سپرده‌های قانونی

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
بانک‌های تجاری										
۱۷	۱۷	۲۰	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰	۲۰	۲۰	دیداری
۱۰	۱۰	۱۰	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰	۲۰	۲۰	قرض الحسنه پس‌انداز
۱۵/۵	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰	۲۰	۲۰	سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت
۱۵	۱۵	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰	۲۰	۲۰	سرمایه‌گذاری یک‌ساله
۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری دوساله و سه‌ساله
۱۰	۱۲	۱۳	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری چهارساله
۱۰	۱۰	۱۱	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری پنج‌ساله
بانک‌های تخصصی										
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	دیداری
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	قرض الحسنه پس‌انداز
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری یک‌ساله
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری دوساله و سه‌ساله
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری چهارساله
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	سرمایه‌گذاری پنج‌ساله
بانک‌های غیردولتی										
۱۷	۱۷	۲۰	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰	۲۰	-	دیداری
۱۰	۱۰	۱۰	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰	۲۰	-	قرض الحسنه پس‌انداز
۱۵/۵	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۵	۱۵	-	سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت
۱۵	۱۵	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۵	۱۵	-	سرمایه‌گذاری یک‌ساله
۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	-	سرمایه‌گذاری دوساله و سه‌ساله
۱۰	۱۲	۱۳	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	-	سرمایه‌گذاری چهارساله
۱۰	۱۰	۱۱	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۰	۱۰	-	سرمایه‌گذاری پنج‌ساله

مأخذ: سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی

جدول ۴- نرخ سپرده قانونی

دوره	از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶	پایان ۱۳۸۷	پایان ۱۳۸۸	پایان ۱۳۸۹	پایان ۱۳۹۰	پایان ۱۳۹۱	آذر ۱۳۹۲
نسبت سپرده قانونی	۱۴-۱۴/۵	۱۳/۸	۱۲/۱	۱۱/۴	۱۱/۱	۱۱/۵	۱۱/۱

مأخذ: سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی

جدول ۵- نرخ‌های سود بانکی

نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار													نرخ سود تسهیلات (۱)				
کوتاه‌مدت													ساختمان و مسکن				
یک‌ساله													کشاورزی				
دو‌ساله													صندوق پس‌انداز مسکن				
سه‌ساله													بانک مسکن				
چهارساله													صنعت و معدن				
پنج‌ساله													بازرگانی، خدمات و متفرقه				
عادی													صادرات				
ویژه																	
بانک‌های دولتی																	
۱۳۸۹ (پایان سال) (۲)	۶-۱۱	۸-۱۲	۱۴-۱۵	۱۴/۵	۱۵	۱۶	۱۷	۱۲و۱۴	۱۱	۱۲و۱۴	۱۲و۱۴	۱۲و۱۴	۱۲و۱۴	۱۲و۱۴	۱۲و۱۴	۱۲و۱۴	
۱۳۹۰ (پایان سال) (۳)	۷-۱۵	۱۰-۱۵	۱۷	۱۸-۱۸/۵	۱۸/۵-۱۹	۱۹-۱۹/۵	۲۰	۱۴و۱۵	۱۱و۱۳	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	
۱۳۹۱ (پایان سال) (۳)	۷-۱۵	۱۰-۱۹	۱۷	۱۸-۱۸/۵	۱۸/۵-۱۹	۱۹-۱۹/۵	۲۰	۱۴و۱۵	۱۱و۱۳	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	
۱۳۹۲ (پایان آذر) (۳) (۴)	۷-۲۰	۱۰-۱۹	۱۷-۲۱/۵	۱۸-۲۱/۷۵	۱۸/۵-۲۲	۱۹-۲۲/۲۵	۲۰-۲۲/۷۵	۱۴و۱۵	۱۱و۱۳	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	۱۴و۱۵	
نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار																	
کوتاه‌مدت																	
یک‌ساله																	
دو‌ساله																	
سه‌ساله																	
چهارساله																	
پنج‌ساله																	
نرخ سود تسهیلات (۱)																	
عادی																	
ویژه																	
بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی																	
۱۳۸۹ (پایان سال) (۲)	۶-۱۱	۸-۱۱	۱۴	۱۴/۵	۱۵	۱۵/۵-۱۶	۱۷	۱۲و۱۴									
۱۳۹۰ (پایان سال) (۳)	۶-۱۵	۶-۱۶	۱۲/۵-۱۷	۱۳-۱۹	۱۴-۱۹/۲۵	۱۴/۵-۲۰	۱۵-۲۰	۱۴و۱۵									
۱۳۹۱ (پایان سال) (۳)	۷-۱۵	۷-۱۶	۱۷	۱۷/۵-۱۹	۱۸-۱۹/۲۵	۱۹-۲۰	۲۰	۱۴و۱۵									
۱۳۹۲ (پایان آذر) (۳) (۴)	۷-۲۰	۷-۲۲/۷۵	۱۷-۲۳/۵	۱۷/۵-۲۳/۷۵	۱۸-۲۴	۱۹-۲۴/۵	۲۰-۲۵	۱۴و۱۵									

مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

۹- رابطه میان سیاست‌های اعتباری و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران

اثر مستقیم هرگونه سیاست پولی- اعتباری انتقال منحنی LM خواهد بود. برای مثال سیاست پولی انبساطی، منحنی LM را به سمت پایین منتقل می‌کند و موجب کاهش نرخ بهره و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود. این امر افزایش مخارج مصرفی را تشویق می‌کند و افزایش سرمایه‌گذاری و مخارج خصوصی موجب افزایش تولید می‌شود. در ادامه با دسته‌بندی پژوهش‌های انجام گرفته، ارتباط سیاست‌های اعتباری را با متغیرهای کلان اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهیم. در ابتدای هر بخش سعی شده است در صورت لزوم، وضعیت کلی متغیر کلان اقتصادی مورد نظر توصیف شده و سپس مهم‌ترین نتایج مطالعات صورت گرفته عنوان گردد.

۹-۱- تولید و رشد اقتصادی

کمیت تولید در طول ۴۰ سال گذشته وضعیت مناسبی نداشته است. روند رشد تولید ناخالص ملی حقیقی طی این دوره گویای آن است که رشد نوسانی بوده و بعضاً تولید حقیقی رشد منفی داشته است. با توجه به درآمدهای نفتی و درجه توسعه‌یافتگی کشور، رشدهای تجربه شده در اقتصاد به هیچ وجه مطلوب نیست و نوسانات شدید آن به خوبی گویای بی‌ثباتی این متغیر کلیدی است.

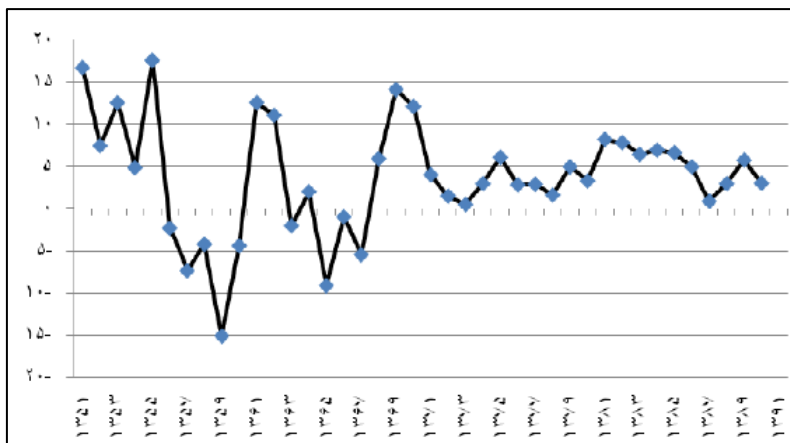
جدول ۶- رشد تولید ناخالص داخلی در ۴۲ سال گذشته

سال	نرخ رشد	سال	نرخ رشد	سال	نرخ رشد	سال	نرخ رشد
۱۳۵۱	۱۶/۷۱	۱۳۶۲	۱۱/۰۷	۱۳۷۳	۰/۴۹	۱۳۸۴	۶/۹۴
۱۳۵۲	۷/۴۵	۱۳۶۳	-۲/۰۵	۱۳۷۴	۲/۹۵	۱۳۸۵	۶/۶۱
۱۳۵۳	۱۲/۵۵	۱۳۶۴	۲	۱۳۷۵	۶/۰۸	۱۳۸۶	۴/۹۵
۱۳۵۴	۴/۸۵	۱۳۶۵	-۹/۱۵	۱۳۷۶	۲/۸۱	۱۳۸۷	۰/۸۵
۱۳۵۵	۱۷/۵۷	۱۳۶۶	-۱	۱۳۷۷	۲/۸۷	۱۳۸۸	۲/۹۵
۱۳۵۶	-۲/۳۴	۱۳۶۷	-۵/۴۸	۱۳۷۸	۱/۶	۱۳۸۹	۵/۷۵
۱۳۵۷	-۷/۳۸	۱۳۶۸	۵/۹۱	۱۳۷۹	۴/۹۶	۱۳۹۰	-۳
۱۳۵۸	-۴/۲۳	۱۳۶۹	۱۴/۱۲	۱۳۸۰	۳/۲۸	۱۳۹۱	-۳/۶
۱۳۵۹	-۱۵/۱۳	۱۳۷۰	۱۲/۱۲	۱۳۸۱	۸/۲	۱۳۹۲	-۱/۸
۱۳۶۰	-۴/۴۲	۱۳۷۱	۳/۹۹	۱۳۸۲	۷/۸۲		
۱۳۶۱	۱۲/۵۶	۱۳۷۲	۱/۴۸	۱۳۸۳	۶/۴۳		

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲)

در اقتصاد ایران در قلمرو تولید، نه روش تولید انبوه به طور مطلوب محقق شده و نه انقلاب بهره‌وری رخ داده است. در حالی که در دنیای جدید برای رهایی از دام رشد پایین و تعادل حداقل معیشت باید این دو امر اتفاق بیفتد. تولید بخش کالایی اقتصاد ایران یا سنتی است یا مدرن وابسته. بخشی از اقتصاد با همان روش سنتی اداره می‌شود و روش‌های جدید مبتنی بر دانش در آن موضوعیت ندارد. بخشی هم مدرن است، اما از ناحیه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه وابسته به واردات از خارج است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲).

نمودار ۳- رشد تولید ناخالص داخلی



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲)

بر اساس مطالعه تقوی و لطفی (۱۳۸۵) در بازه زمانی ۸۲-۱۳۷۴ نرخ رشد GDP حقیقی اثر منفی بر نرخ رشد حجم سپرده‌ها و نرخ رشد مانده تسهیلات اعطایی داشته است اما تأثیر آن بر نقدینگی بانک‌ها مثبت بوده است. همچنین در همان بازه زمانی، رابطه مثبتی میان نرخ تورم و نرخ رشد سپرده‌ها و نرخ رشد نقدینگی نظام بانکی وجود داشته است. اما در همین سال‌ها رابطه میان نرخ تورم و نرخ رشد مانده تسهیلات نظام بانکی منفی بوده است. مدل به کار رفته در این مقاله به صورت زیر است:

$$\Delta \ln x_{it} = \mu_i + \alpha_1 \Delta \ln x_{it-1} + \alpha_2 \Delta MP_{it-1} + \alpha_3 Z_{it} + \alpha_4 \pi_{it-1} + \alpha_5 y_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

که در آن N تعداد بانک‌ها، X_{it} سپرده‌ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی بانک i در زمان t ، MP_t شاخص سیاست پولی در زمان t ، Y_t نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی، π_t نرخ تورم و Z_t ویژگی خاص بانک (اندازه بانک یا دارایی‌ها، ارزش سرمایه‌ای بانک) می‌باشد.

مطابق محاسبات تقوی و لطفی (۱۳۸۵) نرخ رشد GDP حقیقی اثر منفی بر نرخ رشد حجم سپرده‌ها دارد، به‌طوری‌که به ازای یک واحد افزایش در رشد GDP حقیقی، شاهد ۰/۰۳۴ واحد کاهش در نرخ رشد مانده سپرده‌های بانک‌های دولتی خواهیم بود که البته رقم بسیار ناچیزی است. این نکته هرچند از نظر تئوریک قابل قبول به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به شرایط خاص اقتصاد ایران قابل توجیه است. در واقع نتیجه فوق موید این است که مردم با بهتر شدن وضع اقتصادی خود (که در رشد تولید ناخالص داخلی متبلور می‌شود)، تمایل کمتری به سپرده‌گذاری در بانک‌ها پیدا می‌کنند. این موضوع می‌تواند به دلایل متعددی اتفاق بیفتد. از جمله اینکه به دلیل ثبات نسبی نرخ سود سپرده‌ها و در مقابل، بهبود وضعیت اقتصادی کشور و پیدا شدن فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور، مردم ترجیح می‌دهند به جای سپرده‌گذاری در بانک‌ها، در فعالیت‌های دیگر (مانند بورس اوراق بهادار) سرمایه‌گذاری کنند و یا اینکه با توجه فعالیت بانک‌های خصوصی و سود پرداختی بالاتر این بانک‌ها نسبت به بانک‌های دولتی، بخشی از وجوه اضافی مردم جذب این بانک‌ها شده و لذا نرخ رشد مانده سپرده‌های نظام بانکی با کاهش مواجه شده است.

کشاورزیان پیوستی و عظیمی چنزق (۱۳۸۴) برای بررسی اثر آزادسازی مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی، توابع تقاضای پول، سرمایه‌گذاری و رشد را به صورت سیستم معادلات همزمان برآورد نمودند. بر این اساس نرخ سود (بهره) واقعی در معادلات سرمایه‌گذاری و رشد دارای رابطه مثبت بوده و لذا با افزایش نرخ سود واقعی در نظام بانکی کشور، نرخ سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد. این روابط مطابق با فرضیه مکینون-شاو بوده و به نقش مثبت آزادسازی مالی بر رشد و توسعه اقتصادی تأکید دارد.

فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۱) اثربخشی سیاست‌های پولی بر تولید ناخالص داخلی را در وضعیت‌های بالا و پایین رشد درآمد نفتی متفاوت دانسته‌اند. بطوریکه سیاست پولی انبساطی، تولید را در وضعیت پایین رشد درآمد نفتی، بیش از وضعیت بالای رشد درآمد نفتی افزایش داده است.

نادران (۱۳۸۳) در پی پاسخ به این پرسش که «آیا ابزارهای کیفی که به صورت سیاست‌های اعتباری اعمال می‌شوند، توانسته‌اند دولت را در دستیابی به اهداف بلندمدتی چون صنعتی شدن یاری نمایند؟»، وضعیت تولید صنعتی در ایران با سایر بخش‌های اقتصادی مقایسه نموده و با ارائه مدلی از متغیرهای بخش صنعت به آزمون و ارزیابی اثرات سیاست‌های اعتباری بر ارزش افزوده بخش صنعت می‌پردازد. وی نتیجه‌گیری می‌نماید که به‌طور کلی، در بین متغیرهای سیاستی و حقیقی، اعتبارات، اثر مثبت قابل ملاحظه‌ای بر ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری این بخش داشته‌اند. بنابراین نقش مسلط اعتبارات در گسترش فعالیت‌های بخش صنعت و معدن، تأیید نظریه ساختارگرایان در بخش صنعت ایران است. در واقع به علت عقب‌مانده بودن بازارهای پولی و مالی کشور، بخش صنعت کاملاً به اعتبارات بانکی برای تأمین مالی فعالیت‌های خود وابسته است و بنابراین در برنامه‌های کوتاه‌مدت باید مشکل کمبود اعتبارات صنعتی به هر شکل حل شود و در بلندمدت با توسعه بازارهای پولی و مالی، گزینه‌های بیشتری برای تأمین مالی در اختیار بنگاه‌های صنعتی قرار گیرد.

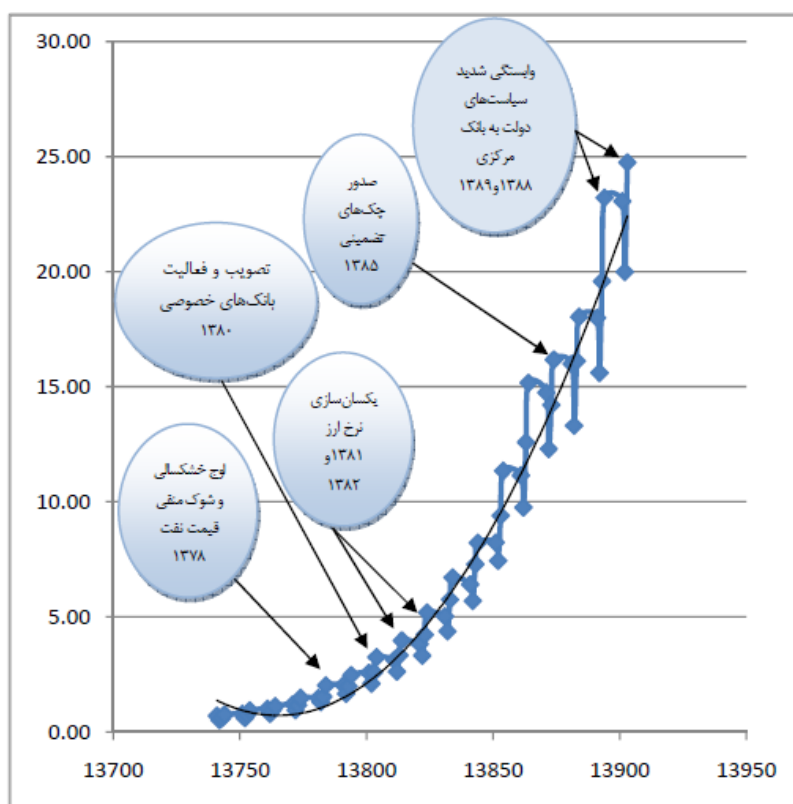
رونق ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و سطح تکنولوژیکی بخش صنعت می‌تواند تا حدودی به افزایش اعتبارات بانکی منجر شود که بنا بر تحقیق نادران (۱۳۸۱) این اثر چندان پررنگ نیست. به استناد این تحقیق، اعتبارات بانکی نقش مهمی در تعیین میزان تولید بخش صنعت به عهده دارند. بنابراین در بین ابزارهای سیاستی دولت، اعتبارات بانکی بهتر می‌تواند اهداف بلندمدت دولت مانند صنعتی شدن را برآورده نماید. البته در این راه، باید مشکلاتی همانند کارایی پایین بازارهای پولی و مالی، نرخ بهره حقیقی، بوروکراسی گسترده شبکه بانکی دولتی و غیره را نیز در نظر گرفت.

محرابی‌ان و شفائی (۱۳۸۹) نشان دادند اعتبارات اعطایی بانکی به بخش غیردولتی و هزینه‌های آموزش، بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. اعتبارات بانکی تخصیص‌یافته به بخش دولتی منجر به کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت شده است.

ولیمقدم زنجانی و همکاران (۱۳۹۲) رشد اعتبارات را علت رشد اقتصادی نیافتند، بلکه در پژوهش خود نشان دادند که این رابطه برعکس است. مطابق تحقیق آنان، رشد اعتبارات به عنوان علت تورم و رشد قیمت مسکن شناسایی شده و تأثیری بر نرخ بیکاری نداشته است. این موضوع حاکی از آن است که اولاً تغییر در متغیرهای اسمی همچون میزان اعتبارات به تنهایی نمی‌تواند تأثیری بر متغیرهای واقعی اقتصادی همچون رشد اقتصادی و نرخ

بیکاری داشته باشد. ثانیاً با افزایش رشد اقتصادی، تقاضای مردم برای سپرده‌گذاری افزایش یافته و بنیه مالی بانک‌ها برای پاسخگویی به نیازهای اعتباری سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. ثالثاً به دلیل ایجاد بی‌ثباتی در نرخ تورم و رشد قیمت مسکن به طور کلی آثار رشد اعتبارات بر متغیرهای کلان اقتصادی مثبت ارزیابی نمی‌شود. ولیمقدم و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۴۲، برخی از دوره‌ها را به عنوان دوره رشد بی‌رویه اعتبارات شناسایی نمودند که با پدیده‌های اقتصادی همچون ورود بانک‌های خصوصی، یکسان‌سازی نرخ ارز و فشارهای دولت به بانک مرکزی برای تأمین اعتبارات در بخش‌های تحت حمایت دولت بوده است. آنان در بیان مهم‌ترین دلیل نامطلوب بودن رشد اعتبارات در اقتصاد کشور به اشکالات موجود در نظام تخصیص اعتبارات کشور اشاره کرده‌اند. به زعم این محققان، مقررات احتیاطی نظارتی کلان توسط بانک مرکزی که به قصد محدود کردن ریسک نظام‌یافته در نظام مالی وضع می‌شود می‌تواند به تخصیص مناسب‌تر اعتبارات کمک کند. ایشان پیشنهاد نمودند دخالت دولت در سیاست‌های اعتباری بانک‌ها و به طور کلی سهم دولت از مالکیت بانک‌های کشور به سرعت کاهش یابد. در شرایطی که فضای کسب‌وکار کشور نامطلوب باشد، رشد اعتبارات به سمت بخش‌های مصرفی و غیرمولد سوق می‌یابد. سایر سیاست‌های پیشنهادی تحقیق مزبور عبارتند از اجرای تدریجی سیاست‌های اقتصادی همچون تعدیل نرخ ارز، هدفمندی یارانه‌ها و حمایت از بخش‌های تولیدی و همچنین تفویض اختیار به بانک‌ها به منظور تخصیص اعتبارات بر پایه ریسک و بازده.

نمودار ۴- نسبت اعتبارات به GDP و نقاط زمانی رشد بی‌رویه اعتبارات

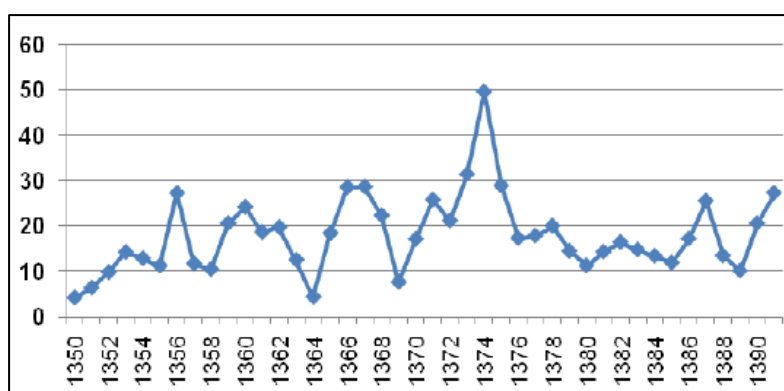


مأخذ: ولیمقدم و همکاران (۱۳۹۲)

۹-۲- تورم و نقدینگی

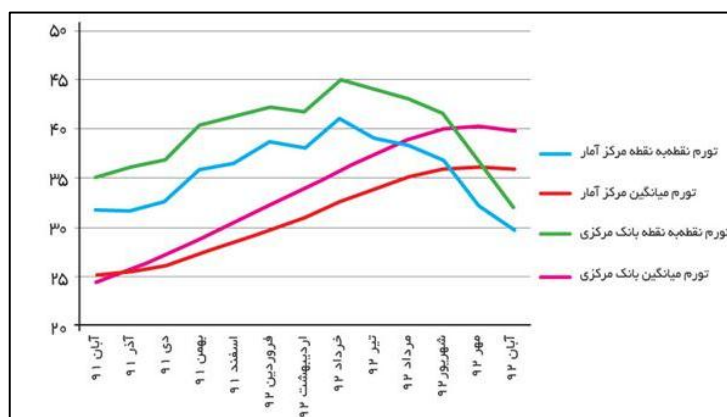
تداوم تورم دو رقمی طی چهار دهه گذشته همراه با رشد نسبتاً محدود تولید ناخالص ملی حقیقی نشانگر رسوخ پدیده رکود تورمی در اقتصاد کشور است. تورم در ایران هم توزیع درآمد و هم تخصیص منابع را به نفع عوامل نامولد و به زیان عوامل مولد تغییر می‌دهد. اساساً بخش نامولد در اقتصاد ایران از ناحیه تورم تقویت می‌شود. لذا اگر در مواقع تورم بالا، نرخ تورم را در نرخ سود تسهیلات تعبیه کنیم، تولیدکننده توان پرداخت بهره‌های بالا را ندارد، زیرا قیمت تولیدکننده متناسب با تورم تغییر نمی‌کند و هزینه‌هایش بیش از تناسب تورم تغییر می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲).

نمودار ۵- روند تورم (افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده) طی چهار دهه اخیر



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲)

نمودار ۶- روند تورم در سال‌های ۹۱ و ۹۲



مأخذ: همان.

کمیت نقدینگی که در ابتدای برنامه اول حدود ۱۶۵۰ میلیارد تومان بود، در سال ۱۳۹۲ به ۴۷۰ هزار میلیارد تومان در میانه برنامه پنجم بالغ شده و رشد متوسط آن حدود ۳۰ درصد بوده است. روند افزایش نقدینگی با این شیب تند، گویای جنبه‌ای از بی‌ثباتی در کشور است.

جدول ۷- متغیرهای پولی و اعتباری (۹۲-۱۳۸۸) (میلیارد ریال)

پایه پولی	پول	اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	سپرده‌های دیناری	سپرده‌های غیردیناری (شبه پول)	کل سپرده‌های بخش غیردولتی	نقدینگی
(ارقام داخل پرانتز درصد تغییرات نسبت به اسفند سال قبل)						
۶۰۳۷۸۴/۲	۶۰۱۶۹۷/۰	۱۹۲۳۱۳/۹	۴۰۹۲۸۳/۱	۱۷۵۴۱۹۲/۱	۲۱۶۳۵۷۵/۲	۲۳۵۵۸۸۹/۱
(۱۱/۹)	(۱۴/۵)	(۲۱/۹)	(۱۱/۳)	(۳۷/۵)	(۲۴/۱)	(۲۳/۹)
۶۸۶۳۹۸/۱	۷۵۸۷۱۶/۶	۲۲۵۱۵۵/۳	۵۳۳۵۶۱/۳	۲۱۹۰۱۵۷/۶	۲۷۲۳۷۱۸/۹	۲۹۴۸۸۷۴/۲
(۱۳/۷)	(۲۶/۱)	(۱۷/۱)	(۳۰/۳)	(۲۴/۹)	(۲۵/۹)	(۲۵/۲)
۷۶۴۵۶۸/۵	۸۹۷۵۷۲/۵	۲۶۳۲۰۹/۳	۶۳۴۲۶۲/۲	۲۶۴۴۷۹/۴	۲۲۷۹۲۴۲/۶	۲۵۴۲۵۵۱/۹
(۱۱/۳)	(۱۸/۳)	(۱۶/۹)	(۱۸/۹)	(۳۰/۸)	(۲۰/۴)	(۲۰/۱)
۹۷۵۷۹۵/۱	۱۱۳۶۷۱۷/۷	۲۳۰۱۶۴/۲	۸۰۶۵۵۳/۵	۲۴۷۰۲۱۸/۲	۴۲۷۶۷۷۱/۷	۴۶۰۶۹۲۵/۹
(۲۷/۶)	(۲۶/۶)	(۲۵/۴)	(۲۷/۱)	(۳۱/۲)	(۳۰/۴)	(۳۰/۰)
(ارقام داخل پرانتز درصد تغییرات نسبت به اسفند سال قبل)						
۸۳۳۷۵۷/۹	۹۱۵۳۸۸/۸	۲۴۶۹۳۶/۲	۶۶۸۴۵۲/۶	۲۱۰۸۳۱۱/۱	۳۷۷۶۷۶۳/۷	۴۰۲۳۶۹۹/۹
(۹/۰)	(۲/۰)	(۰۶/۳)	(۵/۴)	(۱۷/۵)	(۱۵/۳)	(۱۲/۶)
۸۷۸۰۲۰/۸	۹۷۶۴۰۵/۶	۲۵۴۱۹۱/۹	۷۲۲۲۱۲/۷	۲۲۲۴۰۶۸/۵	۴۰۴۶۲۸۲/۲	۴۳۰۰۴۷۴/۱
(۱۴/۸)	(۸/۸)	(۰۲/۴)	(۱۳/۸)	(۲۵/۷)	(۲۲/۴)	(۲۱/۴)
۹۷۵۷۹۵/۱	۱۱۳۶۷۱۷/۷	۲۳۰۱۶۴/۲	۸۰۶۵۵۳/۵	۲۴۷۰۲۱۸/۲	۴۲۷۶۷۷۱/۷	۴۶۰۶۹۲۵/۹
(۲۷/۶)	(۲۶/۶)	(۲۵/۴)	(۲۷/۱)	(۳۱/۲)	(۳۰/۴)	(۳۰/۰)
۹۱۷۷۱۷/۶	۱۰۷۱۲۴۹/۰	۲۷۸۲۵۷/۰	۷۹۲۹۹۲/۰	۳۶۵۸۲۸۱/۵	۴۴۵۱۲۷۳/۵	۴۷۲۹۵۳۰/۵
(۰۶/۰)	(۰۵/۸)	(۰۱۵/۷)	(۰۱/۷)	(۵/۴)	(۴/۱)	(۲/۷)
۹۶۱۲۳۵/۳	۱۱۰۱۵۲۳/۷	۲۸۰۷۳۰/۷	۸۲۰۷۹۲/۰	۳۹۶۲۴۴۰/۸	۴۷۸۲۳۳۳/۸	۵۰۶۳۹۶۴/۵
(۰۱/۵)	(۰۳/۱)	(۰۱۵/۰)	(۱/۸)	(۱۴/۳)	(۱۱/۸)	(۹/۹)
۹۹۳۴۲۰/۵	۱۰۷۹۳۶۸/۶	۲۷۶۰۴۹/۵	۸۰۳۳۱۹/۱	۴۴۲۸۲۲۴/۲	۵۲۳۱۶۴۳/۳	۵۵۰۷۶۹۲/۸
(۱/۸)	(۰۵/۰)	(۰۱۶/۴)	(۰۰/۴)	(۲۷/۶)	(۲۲/۳)	(۱۹/۶)
(ارقام داخل پرانتز درصد تغییرات نسبت به ماه مشابه سال قبل)						
۹۵۸۰۴۶/۵	۱۰۷۷۰۷۱/۷	۲۷۳۸۶۴/۸	۸۰۳۲۰۶/۹	۳۷۱۹۶۶۷/۱	۴۵۲۲۸۷۴/۰	۴۷۹۶۷۳۸/۸
(۱۸/۲)	(۱۶/۸)	(۱۷/۵)	(۱۶/۶)	(۲۵/۹)	(۲۴/۲)	(۲۳/۸)
۹۶۳۶۴۳/۰	۱۰۶۲۷۹۰/۳	۲۸۱۷۲۰/۹	۷۸۱۰۶۹/۴	۲۸۵۵۴۵۱/۶	۴۶۳۶۵۲۱/۰	۴۹۱۸۲۴۱/۹
(۱۸/۳)	(۱۹/۱)	(۱۵/۰)	(۲۰/۷)	(۲۷/۰)	(۲۵/۹)	(۲۵/۲)
۹۶۱۲۳۵/۳	۱۱۰۱۵۲۳/۷	۲۸۰۷۳۰/۷	۸۲۰۷۹۲/۰	۳۹۶۲۴۴۰/۸	۴۷۸۲۳۳۳/۸	۵۰۶۳۹۶۴/۵
(۱۵/۳)	(۲۰/۳)	(۱۳/۷)	(۲۲/۸)	(۲۷/۵)	(۲۶/۶)	(۲۵/۹)
۹۵۲۶۰۲/۰	۱۰۷۲۸۳۹/۶	۲۷۸۸۲۴/۶	۷۹۴۰۱۵/۰	۴۰۶۴۹۵۸/۱	۴۸۵۸۹۷۳/۱	۵۱۳۷۷۹۷/۷
(۱۲/۰)	(۱۰/۴)	(۹/۳)	(۱۰/۸)	(۲۸/۷)	(۲۵/۴)	(۲۴/۴)
۹۶۷۱۸۹/۰	۱۰۵۰۵۲۵/۷	۲۷۹۵۲۶/۸	۷۷۰۹۹۸/۹	۴۲۵۶۶۰۰/۳	۵۰۲۷۵۹۹/۲	۵۳۰۷۱۲۶/۰
(۱۰/۷)	(۶/۹)	(۹/۱)	(۶/۳)	(۳۰/۵)	(۲۶/۱)	(۲۵/۱)
۹۹۳۴۲۰/۵	۱۰۷۹۳۶۸/۶	۲۷۶۰۴۹/۵	۸۰۳۳۱۹/۱	۴۴۲۸۲۲۴/۲	۵۲۳۱۶۴۳/۳	۵۵۰۷۶۹۲/۸
(۱۳/۱)	(۱۰/۵)	(۸/۶)	(۱۱/۲)	(۳۳/۲)	(۲۹/۳)	(۲۸/۱)

۱- شامل شعب خارج بانک‌های تجاری نمی‌باشد.

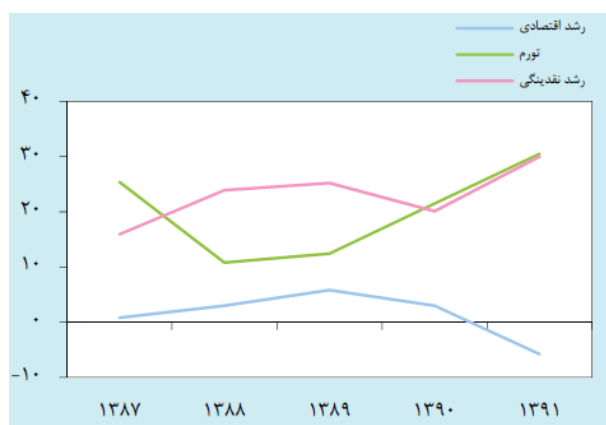
مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

جدول ۸- رشد نقدینگی، پایه پولی و ضریب فزاینده (۱۳۸۸-۹۲)

دوره زمانی	رشد نقدینگی	رشد پایه پولی	رشد ضریب فزاینده
۱۳۸۸	۲۳/۹	۱۱/۹	۱۲/۰
۱۳۸۹	۲۵/۹	۱۳/۷	۱۲/۲
۱۳۹۰	۱۹/۴	۱۱/۴	۸/۰
۱۳۹۱	۳۰/۸	۲۷/۶	۳/۲
۱۰ ماهه اول ۱۳۹۲	۲۱/۷	-۵	۱۹/۶

مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

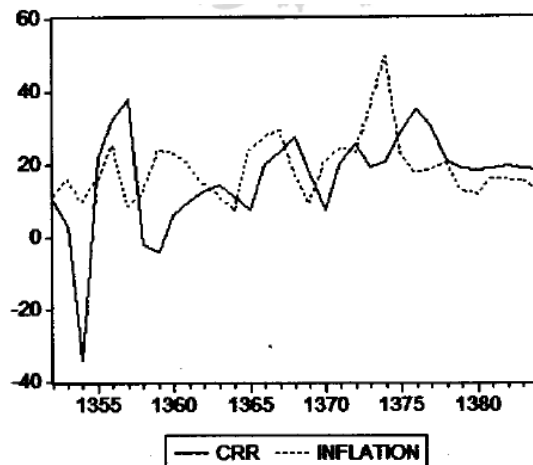
نمودار ۷- روند افزایش حجم نقدینگی، تورم و رشد اقتصادی



مأخذ: گزارش تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی

به لحاظ نظری انتظار می‌رود افزایش نرخ سود واقعی موجب افزایش سرعت گردش پول و به تبع آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود. در مورد انتخاب نرخ سود سپرده‌های بانکی می‌توان دو دیدگاه کلی بیان نمود: یک دیدگاه نرخ سود سپرده‌های بانکی را به عنوان بخشی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرد، بنابراین کاهش این نرخ، حجم سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که در نتیجه آن حجم تولید افزایش یافته کمیجانی و بهرامی‌راد (۱۳۸۷) نشان دادند که در اقتصاد ایران تغییرات نرخ تورم در بلندمدت می‌تواند تغییرات نرخ سود اسمی را توضیح دهد و مطابق اثر فشار مبتنی بر رابطه نرخ سود اسمی و نرخ تورم، رفتار عاملان اقتصادی در اقتصاد ایران تابعی از نرخ سود واقعی است و نه نرخ سود اسمی. در نتیجه، در واکنش به این رفتار عقلایی عاملان اقتصادی، نرخ سود اسمی باید با نرخ تورم تطابق یابد تا بتواند تعادل عرضه و تقاضای وجوه مالی را با توجه به نرخ سود واقعی حفظ کند و در صورتی که سیستم مالی رسمی چنین امکانی را فراهم نکند، طبعاً بازارها و نرخ‌های غیررسمی سود، امکان برقراری چنین تعادلی را فراهم خواهند کرد. به طور کلی، بالاتر بودن نرخ بهره نسبت به تورم، یکی از شروط لازم برای مولد بودن اقتصاد ملی تلقی می‌شود.

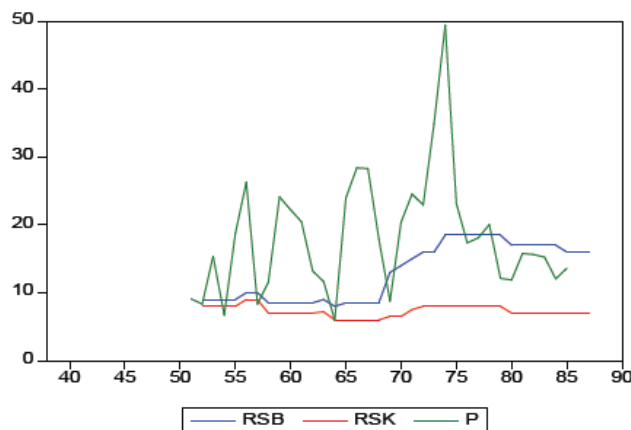
نمودار ۸- رابطه نرخ سود و نرخ تورم در ایران (۱۳۵۲-۱۳۸۴)



مأخذ: کمیجانی و بهرامی‌راد (۱۳۸۷)

تقوی و لطفی (۱۳۸۵) با نشان دادن تأثیر ناچیز سیاست پولی از طریق تغییر سپرده قانونی بر این عقیده‌اند که ادامه اجرای این سیاست نمی‌تواند بانک مرکزی را در دستیابی به هدف کنترل تورم موفق گرداند. لذا پیشنهاد نموده‌اند بانک مرکزی به منظور غلبه بر این مشکل، در کوتاه‌مدت از طریق ابزارهای دیگری همچون انتشار اوراق مشارکت، تعیین نسبت نقدینگی، تعیین سهمیه‌های اعتباری و نیز سقف‌های اعتباری برای بانک‌ها استفاده نماید.

نمودار ۹- روند نرخ سود کوتاه‌مدت، بلندمدت و تورم



مأخذ: تقوی و لطفی (۱۳۸۵)

فطرس (۱۳۷۲) در پژوهشی با عنوان "الگوی برای سنجش اثر سیاست‌های مالی و پولی بر صادرات بخش کشاورزی ایران" چنین نتیجه گرفته است که طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۵۰، سیاست پولی (شامل سیاست ارزی)، در دوره مورد بررسی اثر مثبتی بر روی صادرات بخش کشاورزی گذاشته است. انتظار می‌رود که اثر سیاست پولی بر کگل صادرات نفتی افزونتر از اثر آن بر صادرات کشاورزی باشد. همچنین، سیاست‌های پولی و مالی در صورتی که به سوی نوین‌سازی اقتصاد کشور و ایجاد دگرگونی ساختاری سمت‌گیری مستحکم‌تری یابند، با رشدی که در بهره‌وری و تولید ایجاد می‌کند می‌تواند باعث افزایش صادرات غیرنفتی و از جمله صادرات محصولات کشاورزی متنوع‌تری شوند.

۹-۳- اشتغال

مطابق همه نظریات اقتصادی، یکی از موجبات تحرک بخش‌های اقتصادی در حالت رکود و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری و به دنبال آن افزایش اشتغال، کاهش نرخ سود تسهیلات در حد بازدهی واقعی است. نرخ سود تسهیلات بانکی معیاری جهت تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است. بالا بودن این نرخ سود موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری در بسیاری از بخش‌های واقعی صورت نپذیرد و افراد ترجیح دهند سرمایه نقدی خود را در بازارهای غیرمتشکل پولی که علائم خود را از نرخ سود تسهیلات دریافت می‌کنند تخصیص دهند.

بر اساس پژوهش کاظمی (۱۳۸۳) بالا بودن نرخ موزون سود تسهیلات بانکی عملاً هزینه واقع تأمین منابع مالی را به شدت افزایش می‌دهد. این امر در کنار محدودیت‌های عدیده دیگر بخش‌های واقعی اقتصاد ایران عملاً به اختلال در فعالیت‌های صنایع کشور بالاخص بنگاه‌های کوچک و متوسط که از بازدهی پایینی برخوردار می‌باشند می‌انجامد. مسأله‌ای که در بلندمدت به تعطیلی برخی از بنگاه‌ها و افزایش هزینه‌های تولید برخی دیگر منجر خواهد شد. وی پیشنهاد می‌نماید که با کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، حتی‌الامکان در پرتو کاهش Spread (مابه‌التفاوت نرخ‌های سود دریافتی بابت تسهیلات اعطایی و سود پرداختی به سپرده‌های بانکی) از طریق افزایش کارایی نظام بانکی صورت گیرد.

کشاوری و همدونی (۱۳۸۹) از پژوهش خود چنین نتیجه گرفتند که سیاست‌های اعتباری در بخش دولتی بر سطح اشتغال کار بی‌تأثیر بوده ولی این سیاست‌ها در بخش غیردولتی بر سطح اشتغال مؤثر است. سیاست‌های اعتباری در کوتاه‌مدت اشتغال کل را می‌افزاید ولی در بلندمدت بی‌تأثیر است. اما بر اساس مطالعه بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳) اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه‌مدت بر اشتغال و در درازمدت بر سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت داشته است. نظری و گوهریان (۱۳۸) با بررسی متغیرهای اشتغال، حجم نقدینگی، مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی و غیردولتی برای ایران طی دوره ۷۸-۱۳۴۵ نتیجه گرفتند که تغییر عرضه پول از طریق تغییر حجم نقدینگی و پرداختی به بخش غیردولتی با تغییر اشتغال در بخش‌های تولیدی، دارای رابطه مستقیم می‌باشد. در واقع افزایش اعتبارات پرداختی به بخش غیردولتی باعث افزایش اشتغال در بخش‌های تولیدی می‌گردد و مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی با اشتغال کل، اشتغال بخش کشاورزی و اشتغال بخش صنعت رابطه معکوس، و با اشتغال بخش خدمات رابطه مستقیم دارد.

۹-۴- پس‌انداز

شجری و همکاران (۱۳۸۴) در قالب یک مدل رگرسیونی، فرآیند تأثیرگذاری متغیرهای نرخ سود بانکی، نرخ تورم، درآمد سرانه و حجم پول را بر رفتار سپرده‌گذاری در ایران مورد مطالعه قرار داد. آنان در بررسی خود نشان دادند که نتایج حاصل از اقتصاد ایران تأثیرگذاری نرخ سود بانکی بر روی سرمایه‌گذاری را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. بنابراین استفاده از نرخ بهره به عنوان ابزار جذب پس‌انداز نه تنها کارآمد نبوده است، بلکه با توجه به نتایج آزمون علیت گرنجر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل ایجاد تورم، و نه کاهش تورم طرف تقاضا، مطرح گردیده و دارای تأثیر معکوسی نیز باشد. لذا اصلاح ساختاری سیستم پولی کشور هماهنگ با توسعه پایدار و با ثبات بخش واقعی اقتصاد

می‌تواند تأمین‌کننده منابع سرمایه‌گذاری از طریق جذب سپرده‌گذاری‌های بانکی باشد. در عمل، آزادسازی تدریجی نرخ سود بانکی و هدایت آن به سمت نرخ تعادلی می‌تواند روش مناسب در بهینه‌سازی سیستم پولی کشور باشد. مطابق نظر کمیجانی و بهرامی‌راد (۱۳۸۷) زمانی که نرخ سود واقعی بانکی در حد صفر یا حتی منفی به‌صورت دستوری بر نظام بانکی تحمیل می‌شود، پس‌انداز در بانک‌ها را به صورت پدیده‌ای اقتصادی که توجیه‌کننده به حداقل رساندن مصرف در زمان حال باشد، منتفی می‌کند. از این رو، پس‌انداز مردم در نظام بانکی در حداقل خود قرار دارد و حجم بزرگی از پس‌انداز مردم به جای نهادهای مالی نظیر بانک‌ها، با در دارایی‌های فیزیکی متجلی می‌شود و یا به ایجاد بازارهای غیررسمی منجر می‌گردد و این پدیده در بلندمدت می‌تواند نظام بانکی ایران را در آستانه ورشکستگی قرار دهد. بر این اساس، راهکار پیشنهادی برای رفع این مشکل، توجه به تغییرات نرخ تورم در تعیین نرخ سود نظام بانکی می‌باشد.

۹-۵- سرمایه‌گذاری

در بررسی علل اثرگذاری اعتبارات اعطایی شبکه بانکی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (سلیمی‌فر و قوی، ۱۳۸۱):

۱- سیاست‌های پولی و اعتباری: اصولاً چگونگی توزیع اعتبارات (با وام‌دهی) بانک‌ها بر افزایش و یا کاهش فعالیت‌های تولیدی اثرگذارند. اینکه اعتبارات به چه میزان، با چه نرخ سودی، به چه گروه و برای کدام فعالیت اقتصادی پرداخت شوند، می‌توانند کارکرد اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهند. آمار موجود بیانگر آن است که سوق دادن منابع و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری از اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است.

۲- دلایل ساختاری: تأثیر مثبت اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، متأثر از شرایط ساختاری اقتصاد ایران نیز می‌باشد که این شرایط ساختاری در اکثر اقتصادهای در حال توسعه نیز قابل مشاهده است.

در کشورهای توسعه‌یافته، بازارهای مالی (بازار پول و سرمایه) گسترده و نیز بازار بورس پیشرفته است و شرکت‌های سرمایه‌گذاری فراوانی نیز وجود دارند که پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تأمین مالی می‌کنند و نقش بازار پول و بانک‌ها را در این امر کمرنگ‌تر می‌سازند. به طوری که وام‌ها و اعتبارات بانکی نمی‌توانند به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی مطرح شود. اما با توجه به کمبود بازار سرمایه و نیز گسترش نیافتن بازار سهام کشورها و موسسات اقتصادی در کشور، امکان تأمین منابع سرمایه‌گذاری برای موسسات اقتصادی از بازار سرمایه و نیز انتشار سهام و اوراق مشارکت به طور قابل قبولی وجود ندارد. افزون بر این، تأمین این منابع از طریق بازارهای غیررسمی سرمایه نیز به دلیل وجود نرخ‌های بهره بالا وجود ندارد. لذا نه تنها موسسات بزرگتر، بلکه موسسات کوچکتر نیز منابع لازم برای سرمایه‌گذاری را از طریق بازار پول و اعتبارات بانکی به دست می‌آورند.

۳- جانشینی پول و سرمایه: برخلاف جانشین کامل بودن پول و سرمایه در کشورهای توسعه‌یافته، در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، پول و سرمایه مکمل یکدیگرند. یعنی تأمین مالی پروژه‌ها از منابع داخلی بنگاه (سود قابل تقسیم) و تأمین مالی از منابع خارج (اوراق سهام و اعتبارات) جانشین کاملی برای یکدیگر نیستند و منابع خارج از بنگاه، خود مجرای برای انباشت سرمایه خواهد بود. در اقتصاد ایران از آنجا که حجم اعتبارات اعطایی شبکه بانکی به بخش خصوصی از سوی دولت کنترل می‌شود، سازوکار قیمت‌ها نقشی در تخصیص منابع ندارد و هزینه استقراض از شبکه بانکی با توجه به نرخ تورم در سطح پایینی قرار دارد.

کشاورزیان و ضیائی (۱۳۹۱) با بررسی اثر میزان تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی بر سرمایه‌گذاری خصوصی، اندازه آن را ۰.۹۷ و علامت آن را مثبت یافتند.

برزانی و همکاران (۱۳۸۶) نیز نشان دادند افزایش میزان تسهیلات و اعتبارات بانکی با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح می‌تواند در حوزه سرمایه‌گذاری آثار مثبت اقتصادی به همراه داشته باشد.

مطابق نتایج تحقیق شاکری و خسروی (۱۳۸۴) نرخ سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران با افزایش نرخ بهره حقیقی بانکی (تا سطح ۲ درصد) بالا می‌رود اما در نرخ‌های بهره حقیقی بالاتر از ۲ درصد شروع به کاهش می‌کند. به عبارتی در نرخ‌های بهره حقیقی بالاتر از ۲ درصد یک بحران بانکی رخ می‌دهد که استدلال استیگلیتز مبنی بر اینکه نرخ‌های حقیقی بالا ریسک وام‌های بانکی را افزایش می‌دهد، تأیید می‌کند.

کارشناس (۱۹۹۰) در یک تابع سرمایه‌گذاری لگاریتمی، اثر اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران را طی دوره ۱۳۵۶-۱۳۳۸ حدود ۰/۳۶ برآورد کرده است. خلیلی عراقی (۱۳۷۴) در بررسی علل موثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ماشین‌آلات، به این نتیجه رسیده است که سطح تولید و اعتبارات بانکی، دو متغیر عمده در تعیین سطح سرمایه‌گذاری است. کلاهی (۱۳۷۸) نیز در مطالعه خود، اثر مثبت اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری خصوصی را گزارش کرده است. طالبی (۱۳۷۸) در مطالعه عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی، به اثر عمده اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی بر سرمایه‌گذاری پی برده است. کشیش بانوسی (۱۳۷۷) در بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد ایران با تأکید بر بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی، به این نتیجه رسیده است که بین تغییر در مانده اعتبارات واقعی بانک‌ها (CREDIT) و تشکیل سرمایه ناخالص بدون نفت (NOIV)، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

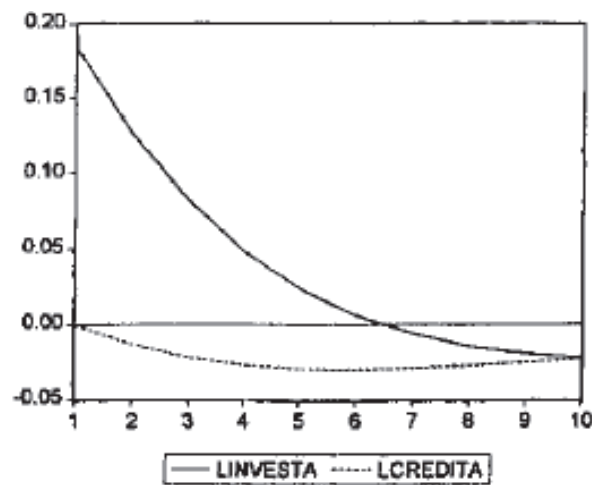
سلیمی‌فر و قوی (۱۳۸۱) در مطالعه اثر اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری خصوصی به این نتیجه رسیده‌اند که برآورد تابع سرمایه‌گذاری خصوصی ایران، از اثر مثبت و معنی‌دار اعتبارات بانکی (RBC) بر سرمایه‌گذاری خصوصی (IP) حکایت دارد.

اما عسلی (۱۳۷۵) برخلاف سایر مطالعات ذکر شده، در برآورد تابع سرمایه‌گذاری خصوصی ایران، به این نتیجه رسیده است که اعتبارات بانکی با وقفه زمانی، بر سرمایه‌گذاری خصوصی اثر منفی داشته است.

براساس اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته، اعتبارات شبکه بانکی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد تأثیر دارد و می‌توان از این ارتباط در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی استفاده کرد. اما این تأثیر در حقیقت خبر از نابسامانی بازار پول و سرمایه در کشور می‌دهد. لذا پیشنهاد می‌شود با تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاران از طریق گسترش بازارهای مالی و سهام و نیز گسترش شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعال، اتکای سرمایه‌گذاران به منابع مالی بانک‌ها کاهش داده و به بانک‌ها اجازه داده شود تا بر اساس تحلیل هزینه-فایده واقعی به انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری اقدام نمایند. دولت نیز با کاهش اتکای خود به منابع بانکی و تأمین کسری بودجه خود از راه‌های دیگر، به این امر کمک کند. مسلماً ایجاد بازارهای مالی و پولی شفاف و گسترده، رقابت بیشتر این موسسات را به همراه خواهد داشت و نتیجه آن نیز، تخصیص بهینه منابع کمیاب و در نتیجه، کمک به رشد و توسعه اقتصادی کشور خواهد بود.

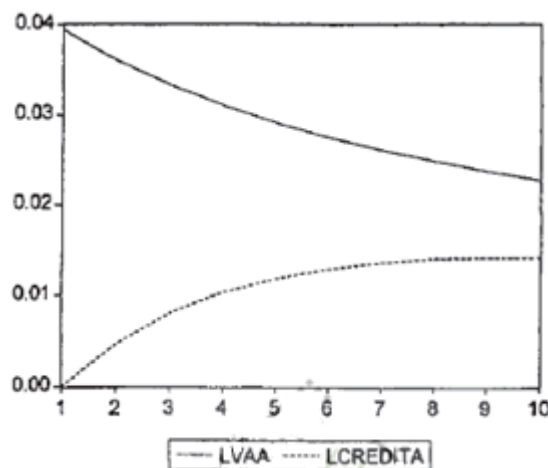
نصیبیان و خلیج (۱۳۸۳) به بررسی اثر اعتبارات بانک کشاورزی بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی پرداختند و با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۴۸ نشان دادند که اگر شوک مثبتی از ناحیه اعتبارات بانک کشاورزی بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی وارد شود، اثر کاهشی بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی خواهد داشت. از طرفی، اثر شوک مثبت از ناحیه اعتبارات بانک کشاورزی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی به دلیل ارتباط بین ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی کاهش خواهد یافت.

نمودار ۱۰- پاسخ سرمایه‌گذاری به بخش کشاورزی



مأخذ: نصابیان و خلج (۱۳۸۳)

نمودار ۱۱- پاسخ ارزش‌افزوده بخش کشاورزی به شوک اعتبارات بانک کشاورزی



مأخذ: همان

۹-۶- صادرات و نرخ ارز

در خصوص رابطه نرخ بهره و خالص صادرات می‌توان گفت افزایش در نرخ‌های بهره، پول داخلی را تقویت می‌نماید زیرا سرمایه‌گذاران خارجی را به خرید پول داخلی و سرمایه‌گذاری آن در کشور ترغیب می‌کند. بدین ترتیب چنانچه نرخ بهره یک کشور در مقایسه با سایر کشورها بالا باشد، سرمایه از کشورهای خارجی به این کشور وارد می‌شود. در این شرایط لازم است نرخ ارز در نتیجه‌ی تقاضای بیشتر برای آن، تقویت گردد. نرخ ارز بالاتر، واردات را افزایش می‌دهد، زیرا کالاهای خارجی در مقایسه با کالاهای داخلی ارزان‌تر خواهند شد. به طور همزمان صادرات نیز کاهش خواهد یافت زیرا کالاهای داخلی را برای خارجی‌ان گران‌تر می‌نماید و در نتیجه خالص صادرات منفی می‌گردد.

سیاست پولی از طریق تغییر در حجم پول، تغییر در رشد حجم پول و نرخ بهره و یا شرایط اعطای تسهیلات مالی بر نرخ ارز مؤثر است. هوشمند و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از آمار سری زمانی ۸۶-۱۳۳۸ و با بهره‌گیری از روش خودتوضیحی با وقفه‌های توزیع شده نشان دادند که در بلندمدت متغیر سیاست پولی تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ ارز داشته است.

میرمحمدی (۱۳۸۷) با بررسی روند تسهیلات اعطایی در ایران در زمینه صادرات غیرنفتی، با استفاده از سیستم معادلات همزمان، رابطه مثبتی بین تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری در بخش غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی غیرنفتی و صادرات در بخش غیرنفتی یافت.

۹-۷- چرخه‌های تجاری

گوگردچیان و همکاران (۱۳۹۰) در پی پاسخ به این سوال که آیا رفتار متغیرها و سیاست‌های کلان پولی می‌تواند در مدیریت چرخه‌های تجاری مؤثر باشد، با طراحی یک مدل خودرگرسیون برداری نشان دادند تأثیر تکانه وارده بر شاخص سیاست‌های پولی تقریباً از دوره دوم شروع شده و اثر آن تا پایان دوره به صورت پایدار یعنی بدون نوسان به تدریج تعدیل می‌شود، در حالی که اثر تکانه وارده بر متغیر شاخص چرخه تجاری، از دوره پنجم شروع شده و تا پایان دوره تعدیل می‌شود.

همچنین، نتایج تجزیه واریانس متغیرهای مدل نشان داد، گرچه در دوره اول صد در صد تغییرات شاخص چرخه تجاری ناشی از خود متغیر بوده است، ولی در دوره دوم تغییرات این شاخص، ۶۹ درصد مربوط به شاخص چرخه تجاری، ۰/۵۹ درصد مربوط به تکانه رشد مصرف، ۰/۱۰ درصد مربوط به تکانه رشد سرمایه‌گذاری، ۸ درصد مربوط به تکانه رشد تورم، ۱ درصد مربوط به تکانه رشد نرخ بهره و ۲۰ درصد مربوط به تکانه رشد شاخص شرایط پولی کشور بوده است. در طی زمان نیز از تغییرات شاخص چرخه تجاری کشور، ۴۵ درصد ناشی از تکانه شاخص چرخه تجاری، ۱/۶ درصد ناشی از تکانه رشد مصرف، ۰/۱۱ درصد ناشی از تکانه رشد سرمایه‌گذاری، ۲۰ درصد ناشی از تکانه رشد تورم، ۴ درصد ناشی از تکانه رشد نرخ بهره و ۲۷ درصد ناشی از تکانه رشد شاخص شرایط پولی کشور بوده است.

۱۰- راهکارهای پیشنهادی

- در واکنش به رفتار عقلایی عاملان اقتصادی، نرخ سود اسمی باید با نرخ تورم تطابق یابد تا بتواند تعادل عرضه و تقاضای وجوه مالی را با توجه به نرخ سود واقعی حفظ کند و در صورتیکه سیستم مالی رسمی چنین امکانی را فراهم نکند، طبعاً بازارها و نرخهای غیررسمی سود، امکان برقراری چنین تعادلی را فراهم خواهند کرد.
- با توجه به شرایط اقتصادی ایران، توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ سود بانکها، آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی برای تحریک بخش واقعی اقتصاد تبدیل کرده است. کارایی این ابزار سیاستی می‌تواند توسط دو عامل ریسک و عدم توجه به تغییرات نرخ تورم محدود شود. لذا برای این که دولتمردان بتوانند ابزار لازم برای بانک مرکزی در جهت تحریک بخش واقعی اقتصاد را فراهم آورند، ضروری است در کنار اختیار دادن به بانک مرکزی برای منطقی کردن نرخ سود بانکی، به کاهش ریسک اقتصادی نیز همت گمارند.
- استفاده از نرخ بهره (سود) بعنوان ابزار جذب پس‌انداز، نه تنها کارآمد نبوده است، بلکه با توجه به نتایج آزمون‌های صورت گرفته، یکی از عوامل ایجاد تورم نرخ سود (بهره) می‌باشد. نتایج حاصل از اقتصاد ایران، تأثیرگذاری نرخ سود بانکی بر روی سرمایه‌گذاری را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. بلکه اصلاح ساختاری سیستم پولی کشور هماهنگ با توسعه پایدار و با ثبات بخش واقعی اقتصاد می‌تواند تأمین‌کننده منابع سرمایه‌گذاری از طریق جذب سپرده‌گذاری‌های بانکی باشد. در عمل، آزادسازی تدریجی نرخ سود بانکی و هدایت آن به سمت نرخ تعادلی می‌تواند روش مناسبی در بهینه‌سازی سیستم پولی کشور باشد.
- لازم است که در رابطه با نرخ سود سپرده‌های بانک‌ها تجدید نظر صورت گیرد، تا تجهیز منابع بلند مدت بیشتر فراهم گردد. علاوه بر این، تسهیلاتی پیش‌بینی شود که منابع حاصل از سپرده‌های بلند مدت به سمت سرمایه‌گذاری حرکت کند.
- نرخ بهره حقیقی منفی در بخش دولتی بازارهای مالی کشور مانع بزرگی در جهت تخصیص بهینه منابع مالی موجود است که در جهت تعمیم آن از طریق کاهش نرخ تورم و افزایش نرخ بهره اسمی اقدام لازم به عمل آید.
- تأثیر سیاست‌های پولی بر تولید نامتقارن است؛ به این معنی که اثرپذیری تولید از سیاست‌های پولی در وضعیت‌های پایین و بالای رشد متغیر انتقال متفاوت می‌باشد که دلایل اصلی آن وجود کانال اعتباری انتقال پولی و تعدیل نامتقارن قیمت‌ها و دستمزدها است. توجه به این امر در سیاست‌گذاری‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.
- توصیه می‌گردد سهم بیشتری از اعتبارات بانکی به بخش غیردولتی اختصاص یابد؛ چرا که بدلیل کارایی بیشتر این بخش و استفاده بهینه از اعتبارات گرفته شده، منجر به رشد اقتصادی در بلندمدت می‌شود.

- در راستای تقویت صادرات غیرنفتی و با مدنظر قرار دادن سیاست‌های اعتباری بانک‌ها می‌توان موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. وام‌های تأمین سرمایه در گردش
 ۲. صدور ضمانتنامه و اعتبارات اسنادی
 ۳. وام‌های مستقیم به خریداران خارجی (اعتبار خریدار)
 ۴. وام‌های افزایش ظرفیت و حفظ قدرت رقابتی
 ۵. خدمات حق‌الملک‌کاری در قالب Factoring
 ۶. بیمه اعتبار صادراتی
 ۷. بیمه ریسک‌های سیاسی
 ۸. روش‌های دیگر حمایت از صادرات (تحقیقات بازاریابی، برگزاری نمایشگاه‌ها، مطالعات امکان‌سنجی، آمار و اطلاعات اقتصادی و تجاری و ...)
- پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی به جای سیاست‌های صلاح‌دیدی از سیاست‌های بهینه استفاده نماید. البته بانک مرکزی در مقابل شوک‌های غیرمنتظره باید بر اساس صلاح‌دید خود تغییرات لازم را صورت دهد.
 - به منظور بهبود سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش صنعت و معدن موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:
 ۱. ایجاد بانک‌های توسعه استانی
 ۲. کنترل اعطای تسهیلات به استان‌هایی که از سطح توسعه‌ای بالایی برخوردارند و از نظر دریافت تسهیلات اشباع شده‌اند.
 ۳. کنترل بر مصارف تسهیلات بانکی
 - در زمینه نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردند:
 ۱. توسعه نظام بانکی و اعتباری در روستاها و تجهیز پس‌اندازها
 ۲. کاهش دیوانسالاری حاکم بر نظام اعتباری کشور
 ۳. ساماندهی بخش غیررسمی اعتباری در روستاها
 ۴. مطالعه و بررسی مداوم در زمینه فرصت‌های شغلی مناسب در روستا و اعطای اعتبارات مورد نیاز به این فعالیت‌ها
 ۵. توجه به مباحث تولید مانند بازار و بازاریابی، ثبات قیمت‌ها و نیز مباحث توزیع و مصرف (کاهش دلال‌ها و واسطه‌ها) بمنظور پایدار شدن اشتغال در مناطق روستایی
 - یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی، واردات کالاهای سرمایه‌ای است که نه تنها باعث افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود بلکه با ورود تکنولوژی برتر به کشور باعث تقویت صنایع با فناوری نوین می‌گردد که یکی از متغیرهای مهم در صادرات غیرنفتی کشور است. انجام اقدامات لازم در جهت تسهیل این امر توصیه می‌شود.

۱۱- پیشنهادات پژوهشی

با توجه به گزارش‌های رصد شده و خلأهای موجود در زمینه ارتباط متغیرهای کلان و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها موارد ذیل به عنوان موضوعات پیشنهادی پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد:

- بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر سیاست‌های اعتباری بانک‌ها
- بررسی ترکیب و ساختار بین‌بخشی و بین‌منطقه‌ای تسهیلات بانک‌ها
- بررسی مقایسه‌ای عملکرد تسهیلاتی میان بانک‌های دولتی و خصوصی و موسسات مالی غیردولتی
- تحلیل روندهای گذشته سیاست‌گذاری کلان بانکی و تجارب موفق و ناموفق
- بررسی تاثیر سیاست‌های مالی و کسربودجه دولت بر عملکرد اعتباری بانک‌ها
- بررسی تاثیر ساختار نظارتی بانک مرکزی بر عملکرد اعتباری بانک‌ها
- بررسی رویکرد سوداگرانه بانک‌ها و آسیب‌های وارده به بخش‌های مولد اقتصادی
- بررسی رابطه میان میزان سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی در مناطق مختلف و متغیرهای اقتصاد منطقه‌ای

ضمائم

فرم های بازخوانی مقالات، پایان نامه و گزارش های پژوهشی

۱- مشخصات پژوهش‌های علمی

جدول ۹- جدول مشخصات پژوهش‌های علمی پیرامون ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها

شماره	عنوان	نویسنده	سال انجام	مهم‌ترین نتایج
۱	تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران	آزاده محرابیان- بهزاد شفافی	۱۳۸۹	اعتبارات اعطایی بانکی به بخش غیردولتی و هزینه‌های آموزش، بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. اعتبارات بانکی تخصیص یافته به بخش دولتی منجر به کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت شده است.
۲	نقش تسهیلات بانکی (بانک مسکن) بر نوسانات بازار مسکن در مناطق شهری	احترام علوی زرنگ	۱۳۸۱	در ایران شوک پولی (شوگ تسهیلات بانکی) را می‌توان بعنوان منبع نوسان در بازار مسکن در نظر گرفت. در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نوسانات تسهیلات بانکی و درآمد ملی بیشترین سهم را در ایجاد نوسانات بازار مسکن بر عهده داشته‌اند.
۳	نقش تسهیلات در سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران	اکبر کشاورزبان پیوستی- محمد ضیائی بیگدلی	۱۳۹۱	تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی با ضریب ۰/۹۷ دارای اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری خصوصی می‌باشد.
۴	نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی (مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران)	دکتر صادق بختیاری- فاطمه پاسبان	۱۳۸۳	اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه‌مدت بر اشتغال و در درازمدت بر سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت داشته است.
۵	آزمون رابطه بلندمدت بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم	اکبر کمیجانی- دومان بهرامی‌راد	۱۳۸۷	در اقتصاد ایران تغییرات نرخ تورم در بلندمدت می‌تواند تغییرات نرخ سود اسمی را توضیح دهد. رفتار عاملان اقتصادی در اقتصاد ایران تابعی از نرخ سود واقعی است و نه نرخ سود اسمی.
۶	بررسی آثار نامتقارن سیاست‌های پولی بر تولید در اقتصاد ایران	اسدالله فرزین‌وش- محمدعلی احسانی- احمد جعفری‌صمیمی- ذبیح‌الله غلامی	۱۳۹۱	اثر بخشی سیاست‌های پولی بر تولید ناخالص داخلی در وضعیت‌های بالا و پایین رشد درآمد نفتی متفاوت بوده است. سیاست پولی انبساطی تولید را در وضعیت پایین رشد درآمد نفتی، بیش از وضعیت بالای رشد درآمد نفتی افزایش داده است.
۷	نقش منابع مالی بلندمدت در رشد اقتصادی ایران	محمود ختایی- رویا سیفی‌پور	۱۳۷۹	توسعه بازار سهام و منابع مالی بلندمدت بخش خصوصی اثر مثبت و بلندمدتی بر رشد اقتصادی دارند.
۸	تحلیل تجربی رابطه پس‌انداز و نرخ سود بانکی- مطالعه موردی ایران ۱۳۸۰-۱۳۴۰	دکتر هوشنگ شجری- دکتر سید کمیل طیبی- احمد گوگردچیان	۱۳۸۴	نتایج حاصل از اقتصاد ایران تأثیرگذاری نرخ سود بانکی بر روی سرمایه‌گذاری را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. اصلاح ساختاری سیستم پولی کشور هماهنگ با توسعه پایدار و با ثبات بخش واقعی اقتصاد می‌تواند تأمین‌کننده منابع سرمایه‌گذاری از طریق جذب سپرده‌گذاری‌های بانکی باشد.
۹	تأثیر تسهیلات صنعتی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت و معدن (در تمام استان‌های کشور)	محموداعظ برزانی- هوشنگ شجری- سعید صمدی- محمد اکبری گلنگدري	۱۳۸۶	افزایش میزان تسهیلات و اعتبارات بانکی با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح می‌تواند در حوزه سرمایه‌گذاری آثار مثبت اقتصادی به همراه داشته باشد.

شماره	عنوان	نویسنده	سال انجام	مهم ترین نتایج
۱۰	قاعده بهینه برای سیاست پولی با فرض پایداری تورم: مورد ایران	مرتضی خورسندی - کریم اسلاملوپیان - سیدحسین ذوالنور	۱۳۹۱	مقایسه مجموع زیان بانک مرکزی در حالت اجرای قاعده بهینه پولی و حالت صلاحیددی نشان می دهد که قاعده ی بهینه می تواند سطح رفاه اجتماعی را افزایش دهد و بنابراین بر صلاحیدد بانک مرکزی ارجحیت دارد.
۱۱	چارچوب نظری تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی (با تأکید بر مدل ویلیامسون)	اکبر کمیجانی، محمود متوسلی، ناهید پوررستمی	۱۳۸۸	لازم است برای تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی، شاخص های چهارگانه زیر بررسی شوند: - شاخص های بیانگر وضعیت سطح ریشه دار اجتماعی - شاخص های تبیین کننده وضعیت محیط نهادی - شاخص های بیانگر شرایط قانونی و کارکردی - شاخص های بیانگر شرایط تخصیص بهینه منابع و قیمت ها
۱۲	سنجش اثر تسهیلات سیستم بانکی بر صادرات غیرنفتی ایران در قالب سیستم معادلات ظاهراً غیرمرتبط (SUR)	سیدمحمد میرمحمدی	۱۳۸۷	ضرایب برآوردشده نشان دهنده رابطه مثبت بین تسهیلات اعطایی و سرمایه گذاری در بخش غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی غیرنفتی و صادرات در بخش غیرنفتی می باشند.

مأخذ: مطالعات محقق

۲- فرم‌های بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها

محل بازیابی: sid.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران

۲- نوع گزارش: مقاله

۳- دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش

۴- نویسنده(نویسندگان): آزاده محرابیان، بهزاد شفائی

۵- استاد راهنما(ناظر)

۶- سال شروع

۷- سال پایان ۱۳۸۹

۸- محل انتشار: فصلنامه علوم اقتصادی

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری:

- بررسی میزان تأثیر اعتبارات اعطایی بانکی بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۸۷-۱۳۵۸

۱۰- فرضیه‌ها:

- رابطه مثبت و معناداری بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی وجود دارد.
- اعتبارات بانکی سهم زیادی از تغییرات رشد اقتصادی در بلندمدت را در ایران توجیه می‌کند.
- اگر شوکی بر اعتبارات بانکی وارد شود اثرات این شوک بر رشد اقتصادی در بلندمدت پایدار و بادوام است.

۱۱- نظریه راهنما: مدل‌های رشد درونزا

۱۲- مدل تحلیلی

$$\ln GDP = f(\ln GC + \ln UGC + \ln EDU)$$

۱۳- متغیرهای مستقل و وابسته

- متغیرهای مستقل: اعتبارات اعطایی بانکی به بخش غیردولتی ($\ln UGC$)، اعتبارات بانکی تخصیص

یافته به بخش دولتی ($\ln GC$)، هزینه‌های دولتی آموزش (EDU)

- متغیر وابسته: رشد اقتصادی ($\ln GDP$)

۱۴- شاخص‌ها و معرفها

- اعتبارات اعطایی سیستم بانکی به بخش‌های دولتی و غیردولتی بعنوان شاخص توسعه مالی
- هزینه‌های دولت به منظور آموزش نیروی انسانی بعنوان شاخص دانش
- ۱۵- روش جمع آوری داده‌ها: کتابخانه‌ای
- ۱۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: مدل خودرگرسیون برداری (VAR)
- ۱۷- دوره زمانی مورد بررسی: ۸۷-۱۳۵۸
- ۱۸- قلمرو جغرافیایی: ایران
- ۱۹- مهمترین نتایج
- اعتبارات اعطایی بانکی به بخش غیردولتی و هزینه‌های آموزش اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد.
- اعتبارات بانکی تخصیص یافته به بخش دولتی منجر به کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت شده است.
- ۲۰- مهمترین پیشنهادات
- سهم بیشتری از اعتبارات بانکی به بخش غیردولتی اختصاص یابد چرا که بدلیل کارایی بیشتر این بخش و استفاده بهینه از اعتبارات گرفته شده، منجر به رشد اقتصادی در بلندمدت می‌شود.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها

محل بازیابی: irandoc.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱. عنوان گزارش: نقش تسهیلات بانکی (بانک مسکن) بر نوسانات بازار مسکن در مناطق شهری
۲. نوع گزارش: پایان نامه دانشجویی
۳. دانشگاه (سازمان) محل تولید گزارش: دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
۴. نویسنده (نویسندگان): احترام علوی زرنگ
۵. استاد راهنما (ناظر): دکتر افشاری
۶. سال شروع
۷. سال پایان ۱۳۸۱
۸. محل انتشار:

ب- مشخصات روش شناختی

۹. سوالات محوری
- بانک مسکن بدلیل داشتن حجم بسیار زیاد متقاضیان تسهیلات خرید با احداث چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟
- آیا افزایش تعداد و مقدار اعطای تسهیلات بر رکود یا رونق بازار مسکن مؤثر بوده است؟
- این شاخص در بین سایر شاخص‌ها در به نوسان درآوردن بازار مسکن چه رتبه‌ای را به خود اختصاص داده است؟
۱۰. فرضیه‌ها: تسهیلات بانک مسکن می‌تواند بیشترین نقش را بر نوسانات بازار مسکن داشته باشد.
۱۱. متغیرهای مستقل و وابسته: متغیر وابسته:
- نوسانات سیکل.
- متغیرهای مستقل: شاخص قیمت عمده فروشی مصالح ساختمانی، درآمد ملی سرانه، شاخص قیمت مسکن، شاخص اجاره بهای مسکن، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان، مالیات بر مستغلات، تسهیلات بانکی
۱۲. روش جمع‌آوری داده‌ها: کتابخانه‌ای
۱۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: سری‌های زمانی خودرگرسیون برداری (VAR) و هم‌انباشتگی انگل- گرنجر با استفاده از ابزارهای FEVDs و IRFs
۱۴. دوره زمانی مورد بررسی: ۷۸-۱۳۶۵ فصلی و ۷۸-۶۰ سالانه
۱۵. قلمرو جغرافیایی: مناطق شهری ایران
۱۶. مهمترین نتایج
- در ایران شوک پولی (شوک تسهیلات بانکی) را می‌توان بعنوان منبع نوسان در بازار مسکن در نظر گرفت.

- در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نوسانات تسهیلات بانکی و درآمد ملی، و در بلندمدت نوسانات قیمت عمده فروشی مصالح ساختمانی بیشترین سهم را در ایجاد نوسانات بازار مسکن بر عهده داشته‌اند.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاستهای اعتباری بانکها

محل بازیابی: ensani.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱. عنوان گزارش: نقش تسهیلات در سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران
۲. نوع گزارش: مقاله
۳. دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش
۴. نویسنده(نویسندگان): اکبر کشاورزبان پیوستی- محمد ضیائی بیگدلی
۵. استاد راهنما(ناظر)
۶. سال شروع
۷. سال پایان ۱۳۹۱/۰۴/۳۱
۸. محل انتشار: پژوهشنامه اقتصادی

ب- مشخصات روش شناختی

۹. سوالات محوری
 - آیا تسهیلات اعطایی مهم‌ترین عامل مؤثر بر رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایران است؟
 - آیا الگوی سرمایه‌گذاری خصوصی ایران باثبات بلندمدت است؟
 - سایر عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی کدامند؟
۱۰. مدل تحلیلی

$$LSBK = \alpha. + \sum_{j=1}^{q_1} \beta_{1j} LMEBK_{i-j} + \sum_{j=1}^{q_2} \beta_{2j} LWKS_{i-j} + \sum_{j=1}^{q_3} \beta_{3j} LSBD_{i-j} + \sum_{j=1}^{q_4} \beta_{4j} LOI_{i-j} + \sum_{j=1}^{q_5} \beta_{5j} LGDP_{i-j} + V_i$$

۱۱. متغیرهای مستقل و وابسته

- متغیر وابسته: لگاریتم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (LSBK)
- متغیرهای مستقل: لگاریتم مانده اعتبارات بخش خصوصی (LMEBK) - لگاریتم واردات کالای سرمایه‌ای (LWKS) - لگاریتم سرمایه‌گذاری بخش دولتی (LSBD) - لگاریتم درآمد حاصل از فروش نفت (LOI) - لگاریتم تولید ناخالص داخلی (LGDP)

۱۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تکنیک هم‌انباشتگی (ARDL)

۱۳. دوره زمانی مورد بررسی: ۸۱-۱۳۵۰

۱۴. مهمترین نتایج

تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی با ضریب ۰/۹۷ بالاترین تأثیر مثبت را بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد و واردات کالاهای سرمایه‌ای با ضریب ۰/۴۴ دومین متغیر تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی است.

۱۵. مهمترین پیشنهادات

یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی، واردات کالاهای سرمایه‌ای است که نه تنها باعث افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود بلکه با ورود تکنولوژی برتر به کشور باعث تقویت صنایع با فناوری نوین می‌گردد که یکی از متغیرهای مهم در صادرات غیرنفتی کشور است.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست های اعتباری بانک ها

محل بازیابی: ensani.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱. عنوان گزارش: نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت های شغلی (مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران)
۲. نوع گزارش: مقاله
۳. دانشگاه (سازمان) محل تولید گزارش:
۴. ویسنده (نویسندگان): دکتر صادق بختیاری- فاطمه پاسبان
۵. استاد راهنما (ناظر)
۶. سال شروع :
۷. سال پایان: ۱۳۸۳
۸. محل انتشار: فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه

ب- مشخصات روش شناختی

۹. سوالات محوری:
- شناسایی فرصت های اشتغالزایی در بخش کشاورزی ایران
- بررسی اثر اعتبارات بر اشتغال بخش کشاورزی
۱۰. فرضیه ها: هزینه ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به دو بخش دیگر (صنعت و خدمات) پایین تر است.
۱۱. مدل تحلیلی:

$$E = \alpha_0 + \alpha_1 VADD + \alpha_2 IC + \alpha_3 CREDIT + u$$

۱۲. متغیرهای مستقل و وابسته:

- متغیر وابسته: میزان اشتغال در بخش کشاورزی بر حسب نفر (E)
- متغیرهای مستقل: ارزش افزوده بخش کشاورزی (VADD) - سرمایه گذاری بخش کشاورزی (IC) - اعتبارات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی (CREDIT)

۱۳. روش جمع آوری داده ها: کتابخانه ای

۱۴. روش تجزیه و تحلیل داده ها: تحلیل سری های زمانی از مدل خودتوضیح با وقفه های گسترده (ARDL)

۱۵. دوره زمانی مورد بررسی: ۷۹-۱۳۴۹

۱۶. مهمترین نتایج:

اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه‌مدت بر اشتغال و در درازمدت بر سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت داشته است. بنابراین حداقل در کوتاه‌مدت می‌توان با بکارگیری نظام اعتباری مناسب باعث توسعه فرصت‌های شغلی در این بخش شد.

۱۷. مهمترین پیشنهادات:

- نظارت و کنترل بر اعطای اعتبارات به کشاورزان خرده‌پا
- توسعه نظام بانکی و اعتباری در روستاها و تجهیز پس‌اندازها
- کاهش دیوانسالاری حاکم بر نظام اعتباری کشور
- ساماندهی بخش غیررسمی اعتباری در روستاها
- مطالعه و بررسی مداوم در زمینه فرصت‌های شغلی مناسب در روستا و اعطای اعتبارات مورد نیاز به این فعالیت‌ها
- توجه به مباحث تولید مانند بازار و بازاریابی، ثبات قیمت‌ها و نیز مباحث توزیع و مصرف (کاهش دلال‌ها و واسطه‌ها) بمنظور پایدار شدن اشتغال در مناطق روستایی

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاستهای اعتباری بانکها

محل بازیابی: sid.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: آزمون رابطه بلندمدت بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم

۲- نوع گزارش: مقاله

۳- دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش

۴- نویسنده(نویسندگان): اکبر کمیجانی- دومان بهرامی راد

۵- استاد راهنما(ناظر)

۶- سال شروع:

۷- سال پایان ۱۳۸۷

۸- محل انتشار:

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری

• آیا نظریه فیشر برای اقتصاد ایران صحت دارد؟

۱۰- فرضیه ها

• در بلندمدت، نرخ تورم و نرخ سود اسمی در یک جهت تغییر می کنند.

• در بلندمدت، تغییر در نرخ تورم، علت تغییر در نرخ سود اسمی است.

۱۱- نظریه راهنما: اثر فیشر

۱۲- مدل تحلیلی

$$i_t = \alpha + \beta \dot{p}_t + u_t$$

۱۳- متغیرهای مستقل و وابسته

• متغیر وابسته: نرخ سود اسمی (i_t)

• متغیر مستقل: نرخ تورم (\dot{p}_t)

۱۴- شاخص ها و معرفیها

از شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) بعنوان داده های مربوط به نرخ تورم ایران بصورت داده های سالانه و فصلی

استفاده شده است.

نرخ سود اسمی در سناریوهای زیر با متغیرهای مناسب جایگزین می‌شود:

- سناریو ۱: Wrd، میانگیم وزنی نرخ سود انواع سپرده‌های بانکی (نرخ سود موزون سپرده‌های بانکی)
- سناریو ۲: Wrl، میانگین وزنی نرخ سود انواع تسهیلات بانکی (نرخ سود موزون تسهیلات بانکی)
- سناریو ۳: Nrr، مجموع نرخ سود موزون سپرده‌های بانکی و نرخ تورم
- سناریو ۴: Crr، نرخ بازدهی اجاره مسکن در مناطق شهری

۱۵- روش جمع آوری داده‌ها: از طریق اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا بر پایه قیمت

ثابت سال ۱۳۷۶

۱۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

- روش هم‌انباشتگی جوهانسون
- آزمون علیت گرنجر

۱۷- دوره زمانی مورد بررسی: ۸۴-۱۳۵۲

۱۸- قلمرو جغرافیایی: ایران

۱۹- مهمترین نتایج

در اقتصاد ایران تغییرات نرخ تورم در بلندمدت می‌تواند تغییرات نرخ سود اسمی را توضیح دهد و این بدان معنی است که طبق تصریح فیشر، رفتار عاملان اقتصادی در اقتصاد ایران تابعی از نرخ سود واقعی است و نه نرخ سود اسمی.

۲۰- پیشنهادات:

در واکنش به رفتار عقلایی عاملان اقتصادی، نرخ سود اسمی باید با نرخ تورم تطابق یابد تا بتواند تعادل عرضه و تقاضای وجوه مالی را با توجه به نرخ سود واقعی حفظ کند و در صورتیکه سیستم مالی رسمی چنین امکانی را فراهم نکند، طبعاً بازارها و نرخ‌های غیررسمی سود، امکان برقراری چنین تعادلی را فراهم خواهند کرد.

با توجه به شرایط اقتصادی ایران، توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ سود بانک‌ها، آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی برای تحریک بخش واقعی اقتصاد تبدیل کرده است. کارایی این ابزار سیاستی می‌تواند توسط دو عامل ریسک و عدم توجه به تغییرات نرخ تورم محدود شود. لذا برای این که دولتمردان بتوانند ابزار لازم برای بانک مرکزی در جهت تحریک بخش واقعی اقتصاد را فراهم آورند، ضروری است در کنار اختیار دادن به بانک مرکزی برای منطقی کردن نرخ سود بانکی، به کاهش ریسک اقتصادی نیز همت گمارند.

۲۱- سایر توضیحات:

نرخ سود واقعی بانکی در حد صفر یا حتی منفی که به صورت دستوری بر نظام بانکی ایران تحمیل می‌شود اولاً پس انداز در بانک‌ها را به صورت پدیده‌ای اقتصادی که توجیه‌کننده به حداقل رساندن مصرف در زمان حال باشد، منتفی می‌کند، از این رو، پس انداز مردم در نظام بانکی در حداقل خود قرار دارد و حجم بزرگی از پس انداز شهروندان ایرانی به جای نهادهای مالی نظیر بانک‌ها، یا در دارایی‌های فیزیکی متجلی می‌شود و یا به ایجاد

بازارهای غیررسمی منجر می شود و این پدیده در بلندمدت می تواند نظام بانکی ایران را در آستانه ورشکستگی قرار دهد.

ثانیاً با توجه به نرخ سود بانکی واقعی ناچیزی که به ازای تسهیلات بانکی دریافت می شود، برخورداران از تسهیلات بانکی با وجود اینکه در ازای این تسهیلات، درصدی باز پرداخت می کنند، اما چه بسا به دلیل نرخ سود واقعی منفی، سود نیز به آنان تعلق می گیرد، از این رو، سیستم بانکی با مازاد تقاضا برای تسهیلات مواجه بوده و برخورداران از تسهیلات بانکی در واقع از نوع رانت اقتصادی بهره می برند، که از یک سو به ترویج فساد اقتصادی و رشوه در نظام بانکی می انجامد و از سوی دیگر مانع برخورداری شهروندان از فرصت های برابر به عنوان معیاری از عدالت اقتصادی می شود.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست های اعتباری بانکها

محل بازیابی: ensani.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: بررسی آثار نامتقارن سیاست های پولی بر تولید در اقتصاد ایران

۲- نوع گزارش : مقاله

۳- دانشگاه (سازمان) محل تولید گزارش

۴- نویسنده (نویسندگان): اسدالله فرزینوش - محمدعلی احسانی - احمد جعفری صمیمی - ذبیح الله غلامی

۵- استاد راهنما (ناظر)

۶- سال شروع

۷- سال پایان ۱۳۹۱

۸- محل انتشار: فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۶۱

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری

• آیا در اقتصاد ایران کارایی سیاست پولی در افزایش تولید نامتقارن است؟

۱۰- فرضیه ها :

• اثر سیاست های پولی بر تولید ناخالص داخلی نامتقارن است.

۱۱- نظریه راهنما

۱۲- مدل تحلیلی

$$d\ln y_t = [A_{\gamma} + \sum A_{\gamma i} d\ln y_{t-i} + \sum A_{\gamma j} d\ln M_{t-j} + \sum A_{\gamma k} d\ln Inv_{t-k} + \sum A_{\gamma l} d\ln G_{t-l} + \sum A_{\gamma m} d\ln Oil_{t-m}] + [B_{\gamma} + \sum B_{\gamma i} d\ln y_{t-i} + \sum B_{\gamma j} d\ln M_{t-j} + \sum B_{\gamma k} d\ln Inv_{t-k} + \sum B_{\gamma l} d\ln G_{t-l} + \sum B_{\gamma m} d\ln Oil_{t-m}] * F_{\gamma}(s_t, \gamma, c)$$

۱۳- متغیرهای مستقل و وابسته

• متغیر وابسته: تولید ناخالص داخلی (y)

• متغیرهای مستقل: حجم پول (M) - سرمایه گذاری بخش خصوصی (Inv) - مخارج دولتی (G) -

درآمد نفتی (Oil) - متغیر انتقال (s_t) - پارامتر شیب (γ) - پارامتر بین وضعیت ها (c)

۱۵- روش جمع آوری داده ها

• استخراج از مرکز آمار و بانک مرکزی ایران

۱۶- روش تجزیه و تحلیل داده ها

• مدل غیرخطی اتورگرسیو انتقال ملایم

۱۷- دوره زمانی مورد بررسی: ۸۷-۱۳۳۸

۱۸- قلمرو جغرافیایی: ایران

۱۹- مهمترین نتایج

طی دوره مورد مطالعه اثربخشی سیاست های پولی بر تولید ناخالص داخلی در وضعیت های بالا و پایین رشد درآمد نفتی متفاوت بوده است. در ضمن، سیاست پولی انبساطی تولید را در وضعیت پایین رشد درآمد نفتی بیش از وضعیت بالای رشد درآمد نفتی افزایش داده است.

اثر تغییرات سرمایه گذاری بخش خصوصی و مخارج دولتی و درآمد نفتی و مقادیر با وقفه تولید در وضعیت های بالا و پایین رشد درآمد نفتی بر تولید ناخالص داخلی متفاوت است. این متغیرها تولید را در وضعیت پایین رشد درآمد نفتی بیش از وضعیت بالای رشد درآمد نفتی افزایش داده اند.

۲۰- سایر توضیحات:

نامتقارن بودن تأثیر سیاست های پولی بر تولید در این تحقیق به این معنی است که اثرپذیری تولید از سیاست های پولی در وضعیت های پایین و بالای رشد متغیر انتقال متفاوت است. دو دلیل اصلی برای آثار نامتقارن سیاست های پولی در وضعیت های متفاوت اقتصادی می توان یافت: وجود کانال اعتباری انتقال پولی و تعدیل نامتقارن قیمت ها و دستمزدها.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست های اعتباری بانک ها

محل بازیابی: noormags.com

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: نقش منابع مالی بلندمدت در رشد اقتصادی ایران

۲- نوع گزارش : مقاله

۳- دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش:

۴- نویسنده(نویسندگان): محمود ختایی- رویا سیفی پور

۵- استاد راهنما(ناظر):

۶- سال شروع:

۷- سال پایان: ۱۳۷۹

۸- محل انتشار: پژوهشنامه اقتصادی

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری

• آیا در اقتصاد ایران رابطه مثبت و معناداری میان رشد اقتصادی و بهبود بازار سرمایه وجود دارد؟

۱۱- نظریه راهنما

• نظریه دنباله روی تقاضای پاتریک (رابطه علی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی)

۱۳- متغیرهای مستقل و وابسته

• لگاریتم سپرده های بلند مدت بخش خصوصی

• لگاریتم ارزش سهام مبادله شده

• لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون نفت

• لگاریتم ارزش افزوده بخش نفت به قیمت ثابت

۱۵- روش جمع آوری داده ها

۱۶- روش تجزیه و تحلیل داده ها: خودهمبستگی برداری (VAR)

۱۷- دوره زمانی مورد بررسی: ۷۵-۱۳۶۸

۱۸- مهمترین نتایج

توسعه بازار سهام و منابع مالی بلندمدت بخش خصوصی اثر مثبت و بلندمدتی بر رشد اقتصادی دارند. دو متغیر در نظر گرفته شده، لگاریتم ارزش سهام مبادله شده و سپرده های بلندمدت بخش خصوصی است که در این مدل دو

بردار هم‌انباشتگی بلندمدت وجود دارد که این دو بردار نشان‌دهنده رابطه مثبت بلندمدت میان رشد اقتصادی و ارزش سهام مبادله شده است که معادلات آن به صورت زیر است:

$$LGDPN(-1) = \frac{1}{1.85} LDLD(-1) - \frac{8.57}{1.85}$$

$$LGDPN(-1) = \frac{1}{1.67} LTSH(-1) - \frac{47.96}{1.67}$$

۱۹- مهمترین پیشنهادات

۱) یکی از مهم ترین منابع مهم بانک ها در اعطای اعتبارات به ویژه اعتبارات میان مدت و بلند مدت را سپرده‌های مدت‌دار می‌باشد. لازم است که در رابطه با نرخ سود سپرده‌های بانک‌ها تجدید نظر صورت گیرد، تا تجهیز منابع بلند مدت بیشتر فراهم گردد. علاوه بر این، تسهیلاتی پیش بینی شود که منابع حاصل از سپرده های بلند مدت به سمت سرمایه گذاری حرکت کند.

۲) نرخ بهره حقیقی منفی در بخش دولتی بازار های مالی کشور مانع بزرگی در جهت تخصیص بهینه منابع مالی موجود است که در جهت تعمیم آن از طریق کاهش نرخ تورم و افزایش نرخ بهره اسمی اقدام لازم به عمل آید.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاستهای اعتباری بانکها

محل بازیابی: majlis.ir

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: تحلیل تجربی رابطه پس انداز و نرخ سود بانکی - مطالعه موردی ایران ۱۳۸۰-۱۳۴۰

۲- نوع گزارش : گزارش طرح پژوهشی

۳- دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش: مرکز پژوهشهای مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی

۴- نویسنده(نویسندگان): دکتر هوشنگ شجری، دکتر سید کامیل طیبی و احمد گوگردچیان

۵- استاد راهنما(ناظر):

۶- سال شروع

۷- سال پایان: ۱۳۸۴

۸- محل انتشار: مرکز پژوهشهای مجلس

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری

• بررسی اثرگذاری نرخ سود بانکی بر پس انداز سرانه در اقتصاد ایران

۱۰- مهمترین نتایج

بر اساس یافته‌های تجربی، پس انداز یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین‌کننده سرمایه‌گذاری و نیز از عوامل تعیین‌کننده ظرفیت‌های تولیدی یک کشور به شمار می‌رود. بر این اساس، سیستم‌های پولی و مالی همواره با بکارگیری ابزارهای مختلف به دنبال جذب هرچه بیشتر این منابع بوده‌اند. در این زمینه، بانک‌های مرکزی کشورها (بویژه کشورهای در حال توسعه) با هدف ایجاد انگیزه برای جذب هرچه بیشتر سپرده‌های پس انداز جامعه و نیز با هدف کاهش تقاضای کل از طریق کاهش حجم پول، و در نتیجه، کاهش تورم، نرخ سود (بهره) اسمی را در نرخ‌های بالا تعیین می‌نمایند، که بعضاً با نتایج معکوس مواجه می‌شوند.

۱۱- مهمترین پیشنهادات

استفاده از نرخ بهره (سود) بعنوان ابزار جذب پس انداز، نه تنها کارآمد نبوده است، بلکه با توجه به نتایج آزمون‌های صورت گرفته، یکی از عوامل ایجاد تورم نرخ سود (بهره) می‌باشد. نتایج حاصل از اقتصاد ایران، تأثیرگذاری نرخ سود بانکی بر روی سرمایه‌گذاری را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. بلکه اصلاح ساختاری سیستم پولی کشور هماهنگ با توسعه پایدار و با ثبات بخش واقعی اقتصاد می‌تواند تأمین‌کننده منابع سرمایه‌گذاری از طریق جذب سپرده‌گذاری‌های بانکی باشد. در عمل، آزادسازی تدریجی نرخ سود بانکی و هدایت آن به سمت نرخ تعادلی می‌تواند روش مناسبی در بهینه‌سازی سیستم پولی کشور باشد.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاستهای اعتباری بانکها

محل بازیابی:

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: تأثیر تسهیلات صنعتی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت و معدن (در تمام

استانهای کشور)

۲- نوع گزارش: گزارش طرح پژوهشی

۳- دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش:

۴- نویسنده(نویسندگان): محمدواعظ برزانی، هوشنگ شجری، سعید صمدی و محمد اکبری گلنگدري

۵- استاد راهنما(ناظر):

۶- سال شروع

۷- سال پایان ۱۳۸۶

۸- محل انتشار: پژوهشنامه اقتصادی

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری

• آیا اعطای تسهیلات صنعتی در استانهای مختلف کشور تأثیرات متفاوتی بر سرمایه‌گذاری بخش

خصوصی در صنعت و معدن دارد؟

۱۰- متغیرهای مستقل و وابسته

• سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت به تفکیک استانها

• تولید ناخالص داخلی استانها به قیمت بازار

• سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت و معدن به تفکیک استانها با یک وقفه زمانی

• تولید ناخالص داخلی استانها به قیمت بازار با یک وقفه زمانی

• سرمایه‌گذاری بخش دولتی در صنعت و معدن به تفکیک استانها

• تغییر در مانده تسهیلات واقعی شبکه بانکی به بخش خصوصی در صنعت و معدن به تفکیک استانهای

کشور

• نرخ تورم در استانهای کشور به صورت تغییر در شاخص قیمت مصرف کننده در استانها

۱۱- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌های تلفیقی

۱۲- دوره زمانی مورد بررسی: ۱۳۷۸-۱۳۸۳

۱۳- قلمرو جغرافیایی: ۲۸ استان کشور

۱۴- سطح تحلیل: کلان

۱۵- واحد تحلیل: کشور

۱۶- مهمترین نتایج

در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که ساختار اقتصادی آنها متکی به بانک‌ها است، افزایش میزان تسهیلات و اعتبارات بانکی می‌تواند آثار مثبت اقتصادی به همراه داشته باشد. بنابراین باید میزان تسهیلات و اعتبارات بانکی را افزایش داد. ولی این افزایش اگر بدون برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح صورت گیرد، سبب افزایش نقدینگی در جامعه و سپس افزایش تورم و بحران اقتصادی خواهد شد.

در این مطالعه استان‌ها به شش گروه تقسیم شده‌اند. طبق آزمون‌های صورت گرفته، در هر گروه ضرایب استان‌ها تفاوت معناداری با هم ندارند، اما ضرایب هر گروه با دیگر گروه‌ها از لحاظ معناداری متفاوت است. استان تهران به تنهایی ۶۰ درصد کل تسهیلات اعطایی را بخود اختصاص داده است درحالی‌که کمترین ضریب را در افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داراست. استان اصفهان نیز که ۷ درصد تسهیلات بانکی را بخود اختصاص داده است و رتبه دوم را پس از استان تهران دارا است، یکی از کمترین ضرایب افزایش را دارد (۰/۱۵). استان کرمانشاه بالاترین ضریب افزایش را بخود اختصاص داده است (۰/۸۹) که بیانگر پتانسیل بالای استان برای جذب تسهیلات بانکی در بخش صنعت و معدن است. اما در بخش صنعت و معدن کمتر از یک درصد از کل تسهیلات بانکی به آن اختصاص داده شده است.

۱۷- مهمترین پیشنهادات

- ایجاد بانک‌های توسعه استانی
- کنترل اعطای تسهیلات به استان‌هایی که از سطح توسعه‌ای بالایی برخوردارند و از نظر دریافت تسهیلات اشباع شده‌اند.
- کنترل بر مصارف تسهیلات بانکی

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها

محل بازیابی:

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: قاعده بهینه برای سیاست پولی با فرض پایداری تورم: مورد ایران

۲- نوع گزارش: گزارش طرح پژوهشی

۳- دانشگاه(سازمان) محل تولید گزارش:

۴- نویسنده(نویسندگان): مرتضی خورسندی، کریم اسلاملوپیان، سیدحسین ذوالنور

۵- استاد راهنما(ناظر):

۶- سال شروع:

۷- سال پایان: ۱۳۹۱

۸- محل انتشار: فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری: استخراج قاعده بهینه پولی در ایران

۱۰- فرضیه‌ها: استفاده از قاعده بهینه بر اساسیت صلاح‌دیدی بانک مرکزی ارجحیت دارد.

۱۱- مدل تحلیلی

$$\min E_t \sum_{r=0}^{\infty} \delta^r L_{t+r}$$

$$L_t = [(\pi_t - \pi^*)^\gamma + \gamma(\pi_{t-1} - \pi^*)^\gamma] + \lambda g_t^\gamma$$

L : زیان بانک مرکزی

δ : عامل تنزیل

π_t : نرخ تورم

π^* : نرخ تورم مطلوب

γ_t : محصول واقعی

γ_t^* : محصول بالقوه

λ : وزن نسبی برای شکاف محصول

γ : درجه خودهمبستگی نرخ تورم

g : شکاف محصول واقعی

۱۲- متغیرهای مستقل و وابسته

- متغیر وابسته: مقدار زیان بانک مرکزی
- متغیرهای مستقل: شکاف محصول - تفاوت نرخ تورم

۱۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها :

- بهینه‌یابی پویا شامل حداقل کردن تابع زیان بانک مرکزی با قید محدودیت مکانیسم انتقال سیاست پولی

۱۴- مهمترین نتایج

بسیاری از کارشناسان علت تورم بالا در ایران را اوضاع نابسامان سیاستگذاری پولی می‌دانند. در ادبیات اقتصادی جهت سامان دادن سیاستگذاری پولی راه‌حل‌های مختلفی مطرح است که یکی از آنها استفاده از قواعد پولی به جای سیاست‌های صلاح‌دیدی است. در این مقاله قاعده پولی بهینه برای سیاست پولی با فرض وجود پایداری تورم استخراج گردید. مقایسه مجموع زیان بانک مرکزی در حالت اجرای قاعده بهینه استخراج شده و شرایط واقعی نشان می‌دهد که قاعده‌ی حاصله توانسته است سطح رفاه اجتماعی را افزایش دهد و بنابراین بر صلاح‌دید بانک مرکزی ارجحیت دارد.

۱۵- مهمترین پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی ایران در سیاستگذاری خود از قواعد بهینه‌ای از این دست استفاده نماید. البته بانک مرکزی در مقابل شوک‌های غیرمنتظره باید بر اساس صلاح‌دید خود تغییرات لازم را صورت دهد.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها

محل بازیابی:

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: چارچوب نظری تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی (با تأکید بر مدل ویلیامسون)

۲- نوع گزارش: گزارش طرح پژوهشی

۳- دانشگاه (سازمان) محل تولید گزارش:

۴- نویسنده (نویسندگان): اکبر کمیجانی، محمود متوسلی، ناهید پوررستمی

۵- استاد راهنما (ناظر):

۶- سال شروع

۷- سال پایان ۱۳۸۸

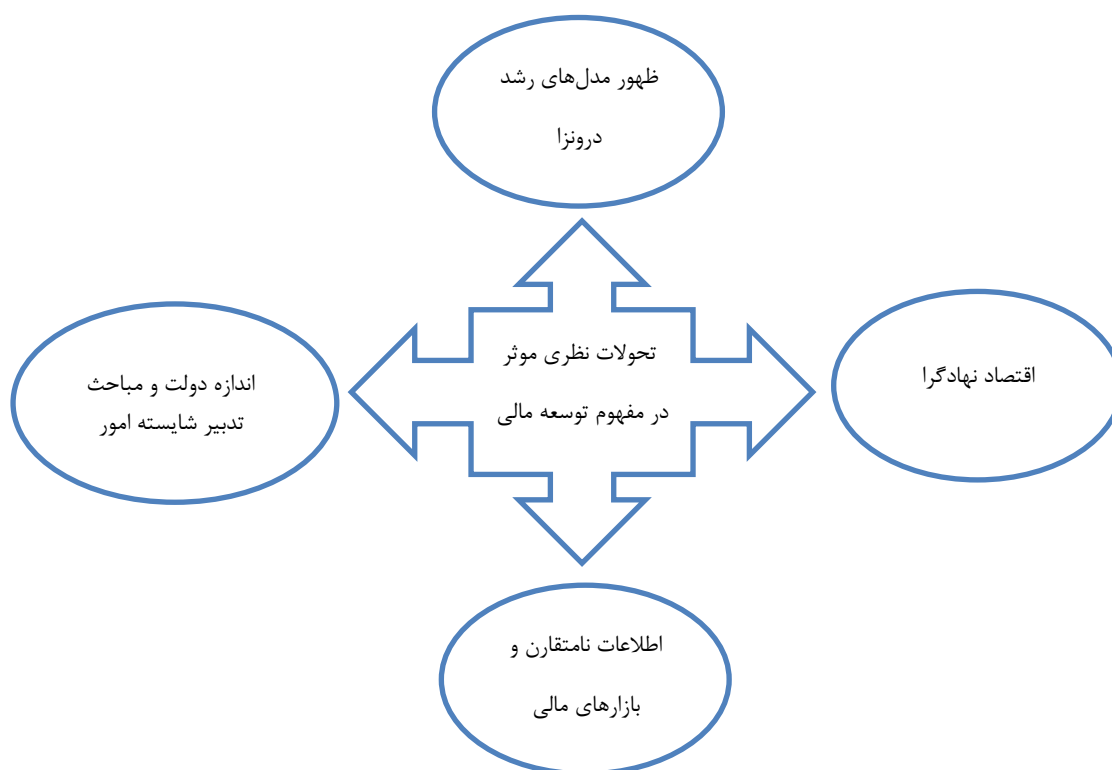
۸- محل انتشار: فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

ب- مشخصات روش شناختی

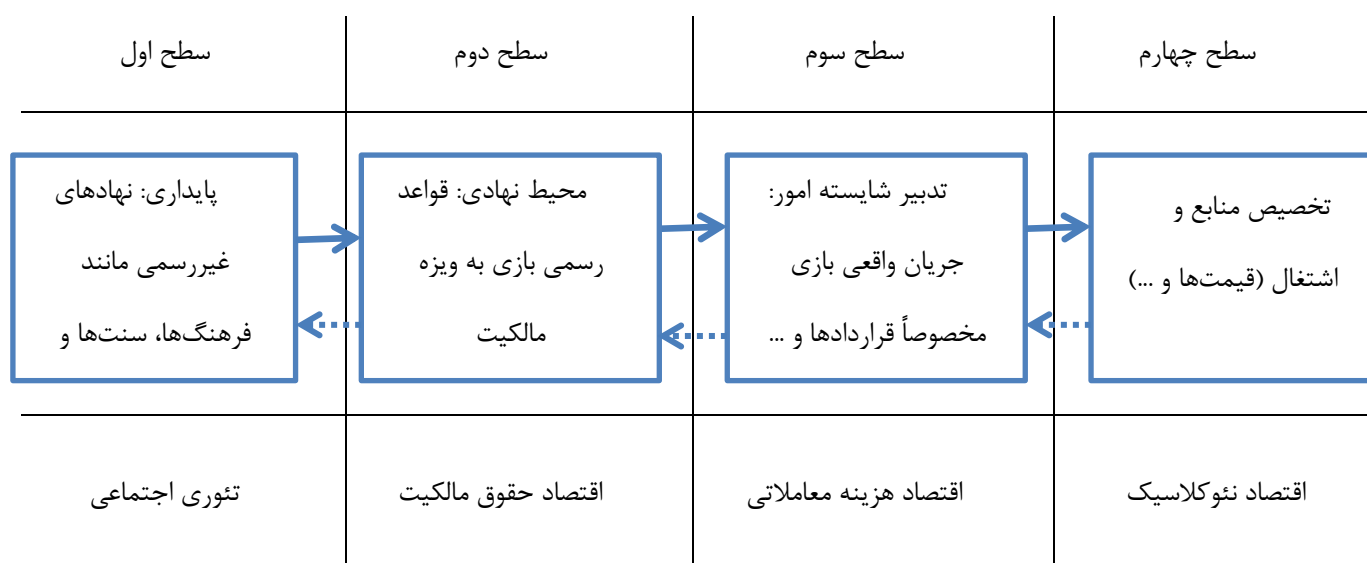
۹- سوالات محوری: بررسی سیر تحول مفهوم توسعه مالی با توجه به نقش آن در رشد اقتصادی

۱۰- مدل تحلیلی

نمودار ۱۲- تحولات نظری مؤثر در مفهوم توسعه مالی



نمودار ۱۳- سطح تحلیلی نهادی- مدل ویلیامسون



۱۱- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: مطالعه اسنادی

۱۲- مهمترین نتایج

در کنار برخی از اقتصاددانان که مخالف اهمیت و تأثیر توسعه مالی و نحوه تأمین مالی بر رشد اقتصادی هستند، تعداد بسیار قابل توجهی از مطالعات بر اهمیت و نقش بازارهای مالی در رشد اقتصادی تأکید دارند. این نگرش در هر دو طیف اقتصاددانان مکتب کینزی و نئوکلاسیک مشاهده می‌شود. اقتصاددانان کینزی با توجه به دیدگاه خود، یعنی گسترش حوزه‌ی دخالت‌های دولت در اقتصاد، سیاست تعیین سقف نرخ بهره را حمایت و تجویز می‌کردند؛ اما در دهه هفتاد با گسترش رویکرد دولت حداقل و پیگیری سیاست‌های حاکمیت قیمت‌ها و آزادسازی از سوی دولت‌های امریکا و انگلیس، زمینه برای طرح مباحث آزادسازی مطرح شد. در این زمان مکینون و شاو با ارائه مدل رشد خود سیاست آزادسازی مالی را با تأکید بر حذف سقف نرخ‌های بهره بانکی تجویز نمودند. اما نتیجه‌ی اجرای آن با آنچه تئوری پیش‌بینی می‌کرد بسیار تفاوت داشت. وقوع بحران‌های بانکی، افزایش بی‌سابقه نرخ بهره واقعی، رونق سفته‌بازی، عدم امکان بازپرداخت بدهی توسط قرض‌گیرندگان، ورشکستگی بانک‌ها، نمونه‌هایی از تجربه کشورها در زمینه آزادسازی مالی بود.

در مطالعات آنزمان، از بی‌ثباتی اقتصاد کلان (مانند کسری بودجه و نرخ تورم بالا)، افزایش مخاطرات اخلاقی، نظارت ناکافی بانک‌ها بعنوان دلایل ناسازگاری تجربه عملی آزادسازی مالی یاد شد. در این شرایط طیف دیگر انتقادات نئوساختارگراها مطرح شد. محور اصلی انتقاد آنها بی‌توجهی به ساختار بازارهای مالی و نقش بازارهای غیرمتمشکل در کشورهای در حال توسعه بود. این گروه معتقدند که توسعه مالی مستلزم آزادسازی نرخ بهره است و فقط ناکارایی این سیاست را در ساختار متفاوت بازارهای مالی کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌کردند. آنها نیز برنامه توسعه مالی کشورها را محدود به تعیین سقف نرخ بهره و اجرای سیاست‌های سرکوب مالی نمودند. اما

بحران‌های اواخر دهه ۱۹۹۰ در آسیای جنوب شرقی در کشورهایی رخ داد که نه دچار بی‌ثباتی اقتصادی کلان بودند و نه در ساختار بازار مالی آنها، بازارهای غیرمتشکل نقش بارز و مسلطی داشت.

به این ترتیب زمینه‌های مناسب برای آزادسازی نرخ بهره در قالب شاخص‌های محیطی و فضای نهادی وارد مدل‌های توسعه مالی شد. تأثیر دوگانه‌ی آزادسازی مالی بر رشد اقتصادی و بحران بانکی، تأثیر حاکمیت قانون، فساد و الزامات مناسب اجرای قراردادهای مورد بررسی قرار گرفت.

مطابق مدل ویلیامسون، لازم است برای تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی، شاخص‌های چهارگانه‌ای بررسی شوند:

۱. شاخص‌هایی که بیانگر وضعیت سطح ریشه‌دار اجتماعی‌اند، مانند آداب و رسوم و مذهب
۲. شاخص‌هایی که تبیین‌کننده وضعیت محیط نهادی‌اند، مانند قوانین و مقررات
۳. شاخص‌هایی که بیانگر شرایط قانونی و کارکردی‌اند و این متغیرها وضعیت نهادهای اعمال مدیریت شایسته امور و حکمرانی را نشان می‌دهند.
۴. شاخص‌هایی که بیانگر شرایط تخصیص بهینه منابع و قیمت‌ها هستند.

فرم بازخوانی کتابها، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی

در موضوع: ارتباط میان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بانک‌ها

محل بازیابی:

تاریخ بازخوانی:

بازخوان:

الف- مشخصات کلی

۱- عنوان گزارش: سنجش اثر تسهیلات سیستم بانکی بر صادرات غیرنفتی ایران در قالب سیستم

معادلات ظاهراً غیرمرتبط (SUR)

۲- نوع گزارش: گزارش طرح پژوهشی

۳- دانشگاه (سازمان) محل تولید گزارش:

۴- نویسنده (نویسندگان): سیدمحمد میرمحمدی

۵- استاد راهنما (ناظر):

۶- سال شروع :

۷- سال پایان: ۱۳۸۷

۸- محل انتشار: پژوهشنامه اقتصادی

ب- مشخصات روش شناختی

۹- سوالات محوری : مطالعه‌ی نقش تسهیلات اعطایی سیستم بانکی بر توسعه صادرات غیرنفتی ایران

۱۰- مدل تحلیلی

سیستم معادلات همزمان

$$INO_t = c_1 + c_2 GDPNO_t + c_3 LOAN_t + c_4 KNO_{t-1} + u_3$$

$$KNO_t = INO_t + (1 - \sigma) KNO_{t-1} \quad GDPNO_t = b_1 + b_2 LNO_t + b_3 LOAN_t +$$

$$c_4 KNO_{t-1} + u_3$$

KNO: موجودی سرمایه در بخش غیرنفتی

INO: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش غیرنفتی

σ : نرخ استهلاک موجودی سرمایه در بخش غیرنفتی

GDPNO: تولید غیرنفتی

LNO: نیروی کار بخش غیرنفتی

MCK: واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای

FERN: رشد نرخ ارز بازار آزاد

LOAN: تسهیلات اعطایی بانک‌ها

۱۱- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: سیستم معادلات ظاهراً غیرمرتبط

۱۲- دوره زمانی مورد بررسی: ۱۳۸۶-۱۳۶۰

۱۳- مهمترین نتایج

ضرایب برآورد شده نشان‌دهنده‌ی رابطه مثبت بین تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری در بخش غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی غیرنفتی و صادرات در بخش غیرنفتی می‌باشند. طبق برآورد به ازای یک واحد افزایش در تسهیلات اعطایی بطور متوسط ۰/۳۲ واحد سرمایه‌گذاری در بخش غیرنفتی را افزایش می‌دهد. یک واحد افزایش در موجودی سرمایه بخش غیرنفتی بطور متوسط ۰/۱۰ واحد تولید ناخالص داخلی در بخش غیرنفتی را افزایش و یک واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی در بخش غیرنفتی بطور متوسط ۰/۰۵ واحد صادرات بخش غیرنفتی را افزایش می‌دهد.

رشد یک درصدی در تسهیلات اعطایی موجب رشد ۵/۳ درصدی در سرمایه‌گذاری غیردولتی، و آن نیز موجب رشد ۲/۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی بخش غیر نفتی و نهایتاً ۱/۴ درصد رشد در صادرات غیرنفتی می‌گردد.

۱۴- مهمترین پیشنهادات

توصیه‌های سیاستی:

- وام‌های تأمین سرمایه در گردش
- صدور ضمانتنامه و اعتبارات اسنادی
- وام‌های مستقیم به خریداران خارجی (اعتبار خریدار)
- وام‌های افزایش ظرفیت و حفظ قدرت رقابتی
- خدمات حق‌الملک‌کاری در قالب Factoring
- بیمه اعتبار صادراتی
- بیمه ریسک‌های سیاسی
- روش‌های دیگر حمایت از صادرات (تحقیقات بازاریابی، برگزاری نمایشگاه‌ها، مطالعات امکان‌سنجی، آمار و اطلاعات اقتصادی و تجاری و ...)

۳- فهرست مقالات و گزارش‌های رصد شده

۱. لعلی، امیر (۱۳۸۵)، تأثیر اقتصادی و اجتماعی کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، گزارش، شماره ۱۷۵
۲. جانی، سیاوش (۱۳۸۶)، بررسی اثرهای کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی: توسعه بازارهای مالی و کاهش هزینه‌های تولید، برنامه، شماره ۲۲۳
۳. صمصامی، حسین و رضا امیرجان (۱۳۹۰)، بررسی اثر تسهیلات بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت و معدن، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۹
۴. عباسی‌نژاد، حسین و حمید یاری (۱۳۸۶)، بررسی اثرگذاری نرخ سود تسهیلات بانکی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در افق بلندمدت ایران، تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱
۵. کميجانی، اکبر و دومان بهرامی‌راد (۱۳۸۷)، آزمون رابطه بلندمدت بین نرخ سود بانکی و نرخ تورم، تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۲
۶. هوشمند، حمید (۱۳۸۴)، گرانی تسهیلات بانکی در ایران، گزارش، شماره ۱۶۷
۷. عرب‌مازار، علی‌اکبر، علی‌عسکر قاسمی‌راد (۱۳۸۸)، تحلیل اثر تسهیلات بانکی و نرخ واقعی ارز بر صادرات محصولات کشاورزی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴۰
۸. بیدآباد، بیژن (۱۳۸۶)، اصلاح شبکه بانکی با اهرم کاهش نرخ بهره (بررسی سیاست کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی)، بانک و اقتصاد، شماره ۸۵
۹. ضیایی بیگدلی، محمدتقی و اکبر کشاورزبان پیوستی (۱۳۸۵)، نقش تسهیلات بانکی در سرمایه‌گذاری خصوصی ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۱
۱۰. کشاورزبان پیوستی، اکبر (۱۳۸۲)، نقش تسهیلات بانکی در سرمایه‌گذاری خصوصی بخش صنعت ایران، بانک و اقتصاد، شماره ۴۵
۱۱. محمدی، روح‌الله و رسول مرادی (۱۳۸۵)، بررسی رابطه نرخ سود تسهیلات بانکی بر سرمایه‌گذاری غیردولتی در بخش صنعت و معدن، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۰
۱۲. میربهراری، مهرزاد (۱۳۷۹)، تسهیلات تکلیفی و اثرات آن بر سیستم بانکی کشور، روند، شماره ۳۰ و ۳۱
۱۳. میرمحمد، محمد (۱۳۹۰)، سنجش اثر تسهیلات سیستم بانکی بر صادرات غیرنفتی ایران در قالب سیستم معادلات ظاهراً غیرمرتبط، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴۲
۱۴. ختایی، محمود و رویا سیفی‌پور (۱۳۸۴)، اثر نرخ سود تسهیلات سیستم بانکی بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۸
۱۵. تقوی، مهدی و علی‌اصغر لطفی (۱۳۸۵)، بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده‌ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور (طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۴)، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰
۱۶. فاخر، هوشنگ (۱۳۸۹)، اثرات افزایش یا کاهش نرخ سود تسهیلات بر اقتصاد کشور: دولت، سیستم بانکی تسهیلات‌گیرندگان و مصرف‌کنندگان، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۵۱۵

۱۷. رستمیان، محمدحسین (۱۳۸۶)، اثر اعتبارات اعطایی به تعاونی‌های تحت پوشش وزارت تعاون بر اشتغال (استان فارس)، تعاون، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰
۱۸. سعیدی، پرویز (۱۳۸۷)، نقش شبکه بانکی در رشد اقتصادی (مطالعه موردی استان گلستان)، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۵۳ و ۲۵۴
۱۹. ختایی، محمود و رویا سیفی‌پور (۱۳۸۴)، بازار مالی دو بخشی و اثر آن بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۴
۲۰. نوفرستی، ابوالفضل و جعفر گچ‌لو (۱۳۸۵)، آثار کاهش نرخ سود تسهیلات صادراتی بر عرضه تسهیلات و بار مالی آن برای دولت، راهبرد، شماره ۳۹
۲۱. حیدری، هادی، زهرا زواریان و ایمان نوربخش (۱۳۹۰)، بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، سال یازدهم، شماره ۱
۲۲. شاهچرا، مهشید و اعظم احمدیان (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر ساختار بازار اعتبارات بر توسعه بانکی در ایران و برخی از کشورهای منتخب، مطالعات اقتصاد بین‌الملل، شماره ۳۷
۲۳. فرزین‌وش، اسدالله و حسن حیدری (۱۳۸۹)، ارزیابی تأثیر مستقیم سیاست پولی بر عرضه تسهیلات بانکی از طریق ویژگی‌های ترازنامه‌ای بانک‌های دولتی و غیردولتی، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲
۲۴. نادران، الیاس (۱۳۸۳)، اثر سیاست‌های اعتباری بر ارزش افزوده بخش صنعت ایران، جستارهای اقتصادی، شماره ۱
۲۵. شجری، هوشنگ، سیدکامیل طیبی و احمد گوگردچیان (۱۳۸۴)، تحلیل تجربی رابطه پس‌انداز و نرخ سود بانکی مورد مطالعه اقتصاد ایران ۸۰-۱۳۴۰، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۰۸
۲۶. کشاورز حداد، غلامرضا و احمد همدونی اصل (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر سیاست‌های اعتباری بر سطح اشتغال کل با استفاده از مدل VAR در ایران، کار و جامعه، شماره ۱۱۸ و ۱۱۹
۲۷. شاکری، عباس و حسن خسروی (۱۳۸۳)، آزمون نظریه مکینون-شاو در اقتصاد ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۱۴
۲۸. صمدی، علی حسین (۱۳۷۸)، سرکوب مالی و رشد اقتصادی در ایران: ارزیابی الگوی مکینون-شاو، برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۴۳ و ۴۴
۲۹. ویتاس، دیمیتری و یون جی چو (۱۳۸۲)، سیاست‌های اعتباری: درس‌هایی از ژاپن و کره، ترجمه رضا حسینی، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۷
۳۰. بختیاری، صادق و فاطمه پاسبان (۱۳۸۳)، نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی: مطالعه موردی بانک کشاورزی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۶
۳۱. خدایی، رضا (۱۳۸۳)، سیاست تحدید اعتبارات یکی از ابزارهای عمده سیاست‌های پولی بانک مرکزی در برنامه اول و دوم توسعه، بانک و اقتصاد، شماره ۵۱

۳۲. علوی‌زرنگ، احترام (۱۳۸۱)، نقش تسهیلات بانکی (بانک مسکن) بر نوسانات بازار مسکن در مناطق شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا
۳۳. کاظمی، بهادر (۱۳۸۳)، بررسی رابطه نرخ سود بانکی و اشتغال، کار و جامعه، شماره ۵۵
۳۴. سیفی‌پور، رویا و محمود ختایی (۱۳۷۹)، نقش منابع مالی بلندمدت در رشد اقتصادی ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴ و ۵
۳۵. نصابیان، شهریار و احمد خلج (۱۳۸۳)، اثرات اعتبارات کشاورزی بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۲
۳۶. کشاورزبان پیوستی، اکبر و علی عظیمی چنق (۱۳۸۴)، برآورد تأثیر آزادسازی نرخ سود بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۹۵
۳۷. عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۱)، چالش‌ها و راهکارهای تعیین نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران، مجلس و راهبرد، شماره ۷۱
۳۸. گوگردچیان احمد، میرهاشمی نائینی سیمین السادات. نقش سیاست‌های پولی و اعتباری در مدیریت چرخه‌های تجاری کشور. تحقیقات توسعه اقتصادی
۳۹. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۴)، درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور (۲۹) تسهیلات تکلیفی و روند آن، دفتر مطالعات اقتصادی
۴۰. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲)، تحلیل وضعیت اقتصادی کشور، ارزیابی وضعیت متغیرهای کلان، دفتر مطالعات اقتصادی
۴۱. ابونوری، عباسعلی، سمیه‌السادات سجادی و تیمور محمدی (۱۳۹۲)، رابطه بین نرخ تورم و نرخ سود سپرده‌های بانکی در سیستم بانکداری ایران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
۴۲. مجتهد، احمد و اعظم احمدیان (۱۳۹۲)، اثر متقابل آزادسازی مالی و تورم بر رشد اقتصادی، نامه مفید، سال نوزدهم، شماره ۹۶
۴۳. شاهچرا، مهشید و اعظم احمدیان (۱۳۸۹)، تأثیر ساختار بازار اعتبارات بر توسعه بانکی در ایران و برخی کشورهای منتخب، مطالعات اقتصاد بین‌الملل، شماره ۳۷
۴۴. ولیمقدم زنجانی، محمد، محمد امیدی‌نژاد و ایرج نیازی (۱۳۹۲)، تأثیر رشد بی‌رویه اعتبارات بر متغیرهای کلان اقتصادی، بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی
۴۵. هوشمند، محمود، محمد دانش‌نیا، صالح شهرپور، اعظم قزلباش و زهره اسکندری‌پور (۱۳۹۱)، رابطه بین سیاست‌های پولی و نرخ ارز در ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۹، شماره ۲
۴۶. نظری، محسن و فاطمه گوهریان (۱۳۸۱) آ بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی در ایران، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰
۴۷. محمودگردی، رحیم، صادق خلیلیان و سید ابوالقاسم مرتضوی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۷۷